

بصورت خواهند آورد و اکنون ما هموم اشخاص ساده لوحی که آلت اجرای مقاصد سیئه این و آن شده مخامب ساخته اهمیت موقع و مخاطراتی که برای ملت و مملکت و دولت ما پیش آمده آنان را متذکر نموده امیدواریم پیش از این سنگ روی بخ اشخاص اشخاص نشوند

تلگراف ذیل روز ۱۵ اسد که مطابق (است با غره شبان)

(از نجف اشرف بطهران بخبر شده است)
(از قصر بطهران)

بتوسط حجة الاسلام آقای میرزا محمد جناب امیرالمظالم سردار بهادر دام عزه مجاهدت و مان پرورانه آن جناب اجل و سایر امراء و سرداران عظام اردوی منصور خصوصاً جناب مسیو فرم خان مایه سربلندی ملت ایران و دفع مفاسد دشمنان و کمال خوشنودی و رضامندی خاطر مبارک حضرت آیت الله روحی فداه گردید در این موقع که بحمدالله تعالی مظهرأ منصوراً بشارت معاودت رسید. مقرر فرموده اند مراتب مسرت خاطر مبارکشان را ابلاغ و تبریک ورود معروض دارد آیت الله زاده خراسانی مهدی (شرق)

کمال مسرت و اقبساط از برای ما حاصل است که مقامات مقدسه روحانیت اسلامی به خدمات جابازاه وطن دوستان حقیقی و ایران خواهمان صمیمی را فهمیده و قدر این وجود های مفتخر ایران زنده کن را دانسته اند ما با کمال مسرت همواره میگوئیم
(زنده باد سردار بهادر)
(زنده باد مسیو فرم خان)

(جناب مسیو فرم خان)



دیر اداره ما خود شخصاً تمام عمارات فوقانی و تحتانی و سخن پارک را بتوسط چراغ گردش کرد و کلبه عدّه مقتولین و مجروحین که از طرف متمرّدین کشته و زخمی شده بودند مشاهده می نماید من حیث المجموع مقتول و مجروح منتهای ضرر بودند ولی بکس از طرف دولتبان عدّه تلافی از مقتول و مجروح زیاده از تصور بوده است و دلیلش هم معلوم است متمرّدین تماماً درسنگر بوده ولی دولتبان حمله می بردند

پس از بردن متمرّدین بنظمیه و قلع و قمع آنان روسای قشور دولتی بطرف منازل خود برای استراحت حرکت مینمایند

تمام وقایع فوق بدون کم و زیاد مطابق واقع است که دیر اداره ما همه جا همراه روسای قشور دولتی بود و مشاهدهات خود را از جزئی و کلی بامداد رشتاً نخبیر در آورده است و مجدداً صبح زود سکه هوا روشن بود تمام پارک را گردش میکند عدّه مقتولین و مجروحین همان بود که در فوق ذکر گردید

چیزیکه در این موقع زیاده از حد مایه ناسف است همانا فرار کانون فساد و مجسمه دیوانگی معز السطانت و آلت دست او مشهدی صادق است بسارت عثمانی در صورتیکه باعث و مانی فتنه و فساد او بوده است و ما کمال نخبیر را داریم از حسابت سفارت دولت علیه عثمانی از کسایکه خیانت مملکت و مملکت نمودند بدیهی است دیپلمات ما از این حسابت غیر قانونی پروتست کرده و اقداماتی سکه وطنیه بك وزیر امور خارجه وطن برستی است

(آقای سردار بهادر)



« لایحه یکی از علمای جبلیل »

(قال علیه السلام بذالاسلام غربياً وسیعود کماکان)
 غریب اگرچه در افتاده از وطن را گویند
 لیکن در حقیقت غربت نظر بملازمة اغلی اشراب
 معنی ذلت شده و بهمین ملاحظه در اکثر مواقع
 غریب مرادق ذلیل و مقارب خوار مایه و مجهول القدر
 بشمار است و باین نظر است که هر مجهول القدر را
 اگرچه در موطن خویش غریب توان گفت چه از
 صنع اعیان باشد یا از جنس معانی چنانچه عالم
 مهجور المراجعة و مصحف متروک التلاوة و مسجد
 متروک العباده درلسان اخبار ائمة اطهار (ص) عرب
 نامیده شده بنابر این غربت اسلام نیز عبارت از
 مجهولیت قدر و مهجوریت شئون اسلام خواهد بود
 در این مقام اگر عور کفیم خواهیم یافت که هیچ
 سیاح جهان دیده و هیچ ملت دلت کشیده و هیچ
 مملکت مخروبه و هیچ سلطنت مغلوبه و هیچ دولت
 مقهوره و هیچ حقیقت مهجوره و هیچ پیر سالخورده
 و هیچ عرب سرد و گرم چشیده بقدر اسلام گرفتار
 تطورات روزگار فانی و سرگذشت ایام زندگانی
 نگردیده افزون از یکزار و سیصد و اند است که آفتاب
 عالمتاب اسلام از افق ام القری طالع و از مشرق
 بطحا ساطع و باوار مضیبه خویش آفاق عالم را
 روشن نموده و طلعات جهل و جاهلیت را که سالهای
 دراز حجاب چهره حقایق بود سترده و راه سعادت
 دنیا و آخرت را بگمشدگان وادی ضلالت نموده
 است و در این مدت هیچگاه بتفاوت ابواب از
 طی منازل اعتراب آسوده بوده و مصیبتهای اسلام در
 صدر اول و بدو وجود بر آشنایان بتاریخ اسلام
 پوشیده نیست مراحل غربت و فجایع مصیبتی که
 لطیفه ملکوتی اسلام را بعد از رحلت حضرت
 خیرالامام ص در عالم شهود مشهود شد از موضوع
 بحث ما خارج است. فقط سخن در مدارج غربت و
 مراحل غربتی است که شکوه و شئون صوری اسلام
 را باختلاف اعصار و دهور دریافته همه میدانند که
 وقتی بود که هر چند لطایف ملکوتی اسلام در عوالم
 غربت سپر میکرد باز سلطوت صوری آن ملوک فرس
 و روم را حتی یوتوالجزیه عن ید وهم صاعرون در
 نزد احکام جهان مطلع خویش خاشع داشت دیگر
 وقت نیز متها هرچه مثل صوری اسلام که حل

آب بر علماء اعلام گرانی میکرد خروج چند تن
 زینهارى از شرایط زینهار بود چنانچه محی الدین
 بن عربی بالغالب بامرالله سکیکاؤس صاحب بلاد
 یونان نوشت ومن اشد ما یمر علی الاسلام والمسلمین
 و قلیل ما هم و رفع التوامیس والتظاهر بالکفر و اعلاء
 کلمة الشرك و رفع الشروط التي اشترطها عمر بن الخطاب
 علی اهل الذمه و و و

این است کتاب امام عادل عمر بن الخطاب و از
 رسول خدای نبوت پیوسته که فرود لا تبین کذیبة
 فی الاسلام و لا یجدد ما خرب مها بس از آن این
 چند شعر را که فی الحال اشاد کردم بدو فرستادم

- (دا انت اعزرت الهدی و تبعته)
- (قالت الدین الله عز کما تدعی)
- (و ان است لم تحمل ه و اعنته)
- (فانت مدل الدین تخفضه و ضعا)
- (فلا تاخذ الا لاسب زورا فانه)
- (لتسل عها یوم یجمعکم جمعا)
- (یقال لعز الدین اعزرت دینه)
- (و یسل دین الله عن مزک قطعا)
- (فانت شهد الدین العزیز به - زم)
- (نکس مع دین الله فی عره شفعا)
- (و ان قال دین الله کنت بملکه)
- (دایلا و اهلی فی میا دینه صری)
- (و ما زلت فی سلطاه دامهاته)
- (و فی زعمه بی اه محسن صعا)
- (فا حجة السلطان ان کان قوله)
- (کما قلت فلیسک لما قلة الدمعا)

معلوم است هر نویسنده مسلمان که باین مقام برسد
 آتشی از تذکار آن ادوار و تکرار این اشعار در
 کانون سینه او مشتعل خواهد شد که فکر و قلم
 او را در هم خواهد سوخت و از شرح مقایسه
 روزگار ماضی و حال عاجز خواهد ماند این نیز
 معلوم است که اینگونه حکایات در ابطار تربیت
 شدگان این اعصار عنزله افسانه موهومه خواهد
 نمود که قالان از پادشاه بریان نقل میکنند ایکاش
 تذکار اینگونه حکایات مسلمانان زمان ما را از عظمت
 شکوه اسلامی خویش یاد آوری میکرد و اگر بیکر
 اعاده شوکت خویش نمی اتنادند لا اقل فکر می کردند
 که سبب آن عظمت چه بود و علت این ذلت چیست

شاید در طی تبادل افکار کلمه خود را از آب می کشیدند و اگر تصور همت آنان را از بچونی علت آن عظمت و این ذلت باز میداشت لا اقل بعظمت سابق خود می بالیدند و بر ذلت حالیه خود می نالیدند درد ایحاست که میترسم در جمله متفدین مسلمانان و مصادر امور اسلام و اسلامیان که ملت اسلام امید واری حفظ بیضه اسلامیه را از اقدامات کافیه ایشان دارند کسانی باشند که از استماع این حکایات بیاد نیاکان باک خویش بیفتند و کف افسوس هم ساینند و فریاد وا ذلای از نهاد حان بر آرند که چگونه نیاکان باک آنان در آن دوره مطلقه دوچار اقتراحات چند تن عرب بی با و سر بودند اگر خدای نخواست چنین باشد اسلام و اسلامیان کالستجیر من الرضا الی التار خواهند بود و ملجاء و مآبی از برای اسلام و اسلامیان نخواهد بود ولی چون هنوز بمحداقه علماء اسلام که پشتیدیان دین حنیف اند مالره از نفوذ کله بیفتاده اند مصادر فعلیه نیز از اینصکونه آلابش منز و همه محمداقه مسلمان اند و مقصد و مقصودی جز اعلاء کله اسلام ندارند در اینصورت باز هم مایوس نباید بود و باید فکر کرد علماء و وزراء و کلا، ملت، دولت، همه باید فکر کنند و موقع فراغت خود را از فکر موقعی بدانند که تمامی قوای اسلامیه و حدود آلبیه و سیاسات ملکیه را در بجرای خود جاری و در حد خود محفوظ بینند و تا باک سرموی از محل خود منحرف است فکر خود را در بازگشت آن محل خود باخر رسانند ولی اولاً باید فکر صحیح را از سقیم امتیاز داد تا هر گران بها را در فکر باطل نبش عولی تلف نکرده باشیم یعنی باید از برای فکر خود باک معیار و محکی قرار داد، شک نیست که معیار فکر صحیح سرش بر کتاب خدا و سنت رسول است پس اگر بزرگان علماء که عارف بمقتضیات وقت اند تطابق آن فکر را با کتاب و سنت تصدیق کردند باید بموقع اجرا گذاشت اگر نه فکر دیگر باید کرد و چون دین اسلام حاوی جمیع شئون دنیا و آخرت و سعادت ملک و ملت است در سیاسات ملکی نیز ما نمیتوانیم تکبیه گاه افکار خود را غیر از قواعد اسلام بدانیم، ببارة اخیری اسلام مثل سایر ادیان نیست که موضوعات آن منحصر باخلاق و عبادات و عادات باشد و متعلمین آن در سیاسات محتاج بدیگران

باشند اسلام علاوه بر اخلاق و عبادات تمامی قواعد سیاسی و اقتصادی را داراست اسلام خراج داده، مقاسه داده، احیاء اموات دارد سبق و رماه دارد مرابطه دارد محافظه دارد جهاد دارد دفاع دارد حدود دارد دیات دارد قصاص دارد تقاص دارد حبس دارد تعزیر دارد تفریم دارد تبحیر دارد قضا دارد شهادات دارد سهام دارد عنائم دارد خس دارد زکوة دارد حقوق دارد ارزاق دارد ارشاد دارد وصیت دارد قرض دارد عاره دارد حواله دارد مبه دارد هدیه دارد صلح دارد صدقه دارد تطییف دارد تنسیق دارد تنظیم دارد تجارت دارد معاملات دارد صلح دارد بیع دارد اجاره دارد مقاطعه دارد مضاربه دارد مزارعه دارد مساقات دارد سکنی دارد عمری دارد اجتهادات دارد مراودات مشاورات دارد تدبیر منزل دارد سیاست مدن دارد تعلیم اولاد دارد آداب دارد سنن دارد امر بمعروف درود نهی از منکر دارد و بالاخره اسلام همه چیز دارد و محتساج هیچ چیز نیست و ببارة دیگر اسلام هم دین است و هم دولت هم سلطنت است و هم شریعت هم دنیا است و هم آخرت همه میدانند که اروپائیان قبل از اسلام هیچ نداشتند هر چه موجبات ترقی دارند از اسلام گرفته اند ما هم با حق و حقیقت هیچ معادات و عصیت نداریم هر چه از موجبات ترقی و تعالی در آنها یاقیم که مانع اسلامی نداشته باشد باید از آنها اخذ کنیم و در موقع اجرا بگذاریم بلکه تقلید صحیح را در امور ماضیه لازم بدانیم تا از حریف باز نمانیم ولی اگر مانع شرعی اسلامی داشت اگر چه متفق علیه تمام دول باشد جز بضوان بدعت و ضلالت نمیتوانیم شناخت بلنیکهای تازه فرنگی ما با هم در تغییر عنوان فایده نخواهد داد همان طور که بلنیکهای کهنه ناصرالدین شاه در تبدیل لباس قاپده بخشید، بدعت بی نبات است اگر چه از دهن ثوب درآید، ظلم آخر ندارد اگر چه از دولت مشروطه بزاید، تبعید آقا سید جمال افغانی و کشتن صد مثل او آخر حرفهای حسابی او را صورت داد، تبعید آقا میرزا اسمعیل هم آخر حرف حسابی او را صورت خواهد داد، پس باید فکر صحیحی سکرد هر کس نظر بی طرفی با برافت بیندازد خواهد دید که

مشهد

دیشب با قلم می‌گفتم !!! ای قلم بیا دفتر بشوی و بعد از این دیگر از اعمال کس مگویی خود را خفیف و خوار و سرا بریشان وزار مساز اگر در نوشتن و گفتنت اثری بود چه مضایقت و اگر شب و روز به سر دویدن در سطوح و صفحه الواح نتیجه برایت گرفته میشد و متفذن از هزار يك اعمال سخیفه خود را تخفیف میدادند لا محاله مزد شبانروزی زحمت طاقت فرسای تو محسوب می‌گردد حال آنکه در صفحه کاغذ بسر دو بدنت نتیجه ندارد حالی برای بنشین و دامن از کشف سرائر و اعمال نامنجان خدایان و اروابان بسند و بحاله ابران بر چنین بی کار خود باش، مرا و خود را بزحمت و مرارت مینداز، و مشول مردمان بی حقیقت مساز، چرا بخودانه خود را بمیان مپاندازی، و در نهسایت تجرد محفل خواهوشان و خوابیدگان مبروی، و آنان را بصدای بیدار باش از خواب بیدار مینمائی، یا آنکه (جرت شانرا) که از کشیدن چهار مقال تریاک فراهم شده باره می نمائی !!! بتوجه آنکه فلاش بی سواد و فهم و خواسته و هر ساله بقول خودش سه هزار تومان و بقول ماده هزار تومان بدون لیاقت و کفایت در این روز نکدی و پریشانی ما و آستانه مقدسه رده و صرف تریاک و منهیات شرعیه مینماید مگر این چند مرتبه آنکه گفتی و نوشتی دینساری از حقوق و مواجب غیر حقه آن تخفیف داده شد یا این حرف ها را به سببش گرفت؟ حز آسکه زحمت بردی و وقتی صنایع نمودی و مخارج بست را منتحمل شدی و مدتی در انتظار انجام آن نشستی نتیجه که گرفته این است که اگر فلاش و امثال آن ترا در میان قلمدان پیدا نمایند درهم بشکنند بتوجه که رکن الدوله مهمل و معطل بود و شب و روز در خواب و غفلت می‌شنود یا آنکه حال آنکه او را معزول کرده‌اند چرا ایالت بدین اهمیت و زرگریا بدون والی گذارده‌اند، بتوجه که بعضی معارف پرورهای وطن دوست‌ها، رئیس‌المذاهب، با کمالها سینه زنها، فریاد کن‌ها، مدبرها، ها، ها که بلباس ملت برستی ملبسند هر قدم که برمیدارند خیر و صلاح خود را ملاحظه نموده و اغراض شخصیبه را پیشرفت میدهند و بدین

ابران از بدو مشروطیت ترقی نکرده سهل است هر روز نفرت قلوب و سلب امنیت جلب میکند کتر اداره از ادارات جدیده داخل ولایتی شد که جلب نفرت و سلب امنیت نکرد اینککه از نظمیبه اظهار رضایت و از عدلیه شکایت میکنند یا از عدلیه رضایت و از نظمیبه شکایت دارند رضا و شکوای نسی است که بعد از تحلیل راجع بشکایت از کل است پس باید جهت را پیدا نمود و جلوگیری کرد، طهران را هم نباید مقیاس مملکت قرار داد بخوش رقصیهای مخبر های مخصوص جراید هم نباید خام شد، نرفتهایم عمومی از بدو سلطنت قاجاریه اول سری و بعد از صد سال نحوائی و بالاخر جلوائی شد، ترقی آنکه از اول غوغائی باشد زود جلوائی میشود، پس باید فکر کرد و مرض را شناخت و در صدد علاج برآمد اگر عیب زیر سر یارتی سازی و جب و راست بازی است باید موقوف کرد اگر قوانین مطابق شرع نیست باید تغییر داد اگر مطابق هست و مردم نمی فهمند باید بمردم فهماند و نباید گنت « مردم جاهل هیچوقت بطبع خود زربار قانون نرفته‌اند قانون را باید با سر نیزه بحق خلق فرو کرد » راست است قانون را باید با سر نیزه بموقع اجرا گذاشت ولی باید اول حسن آن قانون را بمردم فهماند، و در مملکت اسلامی فهماندن حسن قانون جز فهماندن مطابق آت ما قواعد اسلام راه دیگر ندارد، آنوقت طرف قانون بر فرض وجود آحاد خواهند بود نه نوع، و آحاد است که قانون را با سر نیزه باید بمخلق او فرو کرد نوع مثل عصای موسی است آنکه نیزها را فرو می برد و خم با بروی خود نمی آورد بمباره اخیری آحاد وقتی میتوانند با نوع بجه بگیرند که وجود جمع الجمی و رب التومی و بی الربی و صورت الحتی داشته باشند مثل انبیا و اولیا که اگر صد هزار پیغمبر مغلوب شد بالاخره غالب است، کشتن سید الشهدا ع غلبه او را بر تمام آفاق و انفس تا روز قیامت ظاهر کرد صد هزار طفل کشته شد باز موسی ظالم و بر فرعون غالب شد و الله تم نوره ولو کره المشرکون

(خادم الاسلام محمد هادی قاضی پیر جندی)

عناوین خود و کسان و برادران عمو زادگان خود را در ادارات مستخدم نموده و مبالغی از ثروت ملت افتاده و بپاره را برای آنان موجب قرار میدهند و حال آنکه اگر موجب را اندازه لیاقت و کفایت ایشان که راست را از چپ فرق نمیدهند باید داد مای سه تومان بیشتر هر يك حق ندارند در قبال این پیشرفت اغراض با این لباس باز مرجأ نشسته و میگویند منم بدر ملت، منم محي دولت منم . . . اگر راست میگویند چرا قدسی برای صلاح و صواب امت بر نمیدارند، چرا خود دزد قافله اند، چرا مال مردم را میخورند، چرا حق یکنفر را که يك سال است شب و روز بتابانه برای ملت در نهایت بیغرضی که همه میدانند کار میکند با مال میکنند، چرا یکی از اینها که قدم باغراض شخصی خود بر میداشت اصلاح خواهان خیانت او را فهمیده و بزور قانون از يك اداره که تازه مقل محه یکساله براه افتاده بود بیرون کردند، از تنه موجب يك ماهه خود که چندین ماه بود میبرد نگذشت و حال یکنفر تکلیف مینماید که تو از حقوق چندین ماهه خود بگذر، در صورتیکه موجب یکساله این برابری با موجب و مداخل يك ماهه آن نخواهد نمود، و نیز در حالتیکه زحمت یکساله آن برابری با زحمت ده روزه این نخواهد کرد، و نیز در صورتیکه آن غنی و متمول است اگر از آن اداره قانونی دیناری نمیگرفت میتوانست امور خود را بگذراند و این فقیر است و برایشان که در ازاء این مقدار وجه مردم مقروض است

(بین تفاوت ره از کجاست تا کجا)

بنو چه که رئیس عدلیه کیسه های نهی خود را بر نمود و حق مردم را پامال کرد و بعد از شش ماه صدای وا اسنای ملهوفش گوش فلک را کر کرد او را بدون مسئولیت معزول کرده و بجای دیگر منصوب کردند که در آنجا نیز کیسه خود را بر نماید، بنو چه که یکنفر چرا هر ماه شصت تومان از وجوه تکدی شده برای صرف معارف و تحصیل ایتم میبرد و چون دستش را از این وجوه قطع کردند چنگال خود را بوجوه دیگر بند کرد، در صورتیکه همه میدانیم که باندازه یکنفر طفل مکتبی فهم و شعور ندارد، بنو چه که یکنفر

بیکاره را چرا این همه از ثروت ملت موجب میدهند بنو چه که یکنفر را چندین شغل داده اند، بنو چه که بعضی از اشخاص در ادارات ما مستخدم و با خارجه دست اتحاد دارند، تمام این مطالب بنو راجعی ندارد، لازم نیست که تو برای مردم تکلیف معین نمائی، خودشان بهتر میدانند، هم فلاش میداند که ثروت آستانه را نباید صرف تریاک کرد و هم امنای ما میدانند که ترتیب و پروگرام کار این طور نیست، بنو چه که خود را ضایع می نمائی تو هم مثل سایرین ساکت و صامت باش و خود را بزحمت بینداز (قلم شکسته)

بوشهر

البته از وضع حرکات حکومت بنادر و وقتن ایشان با هم سرکوبی اهالی تنگستان و غیره بخوبی مسبقید چیزی که تازه واقع شده همانا مراجعت ایشان از تنگستان و بهم زدن با شیخ حسین جاکوتاهی و گرفتن دو هزار تومان از زایر خضر و علی دلباری است، و بقولی پنج هزار تومان، العمدت علی الراوی رئیس کمرک بوشهر این نکته را فهمیده و از این قسم وطن خواهان بکلی مایوس شده حکمی صادر نمود و امروز هم اعلان رسمی به تمام قونلات خواهد داد که از تاریخ حال به بعد در دلبار نمایند از کمرک نخواهد بود و اداره کمرک دلبار بکلی مسدود است، جهاز پرسبلیس را هم حکم دادند که برابر بندر دلبار لشکر انداخته هر جهازی که داخل و خارج شود آرا (گلس) نموده بوشهر بیاورد چون عاجز شده اند میخوانند سد طریق تجارت را در نقطه دلبار بنمایند

مکتوب از دشتی

حقیر خیلی دوست میداشتم مطالعه روزنامه جات را و از وقتیکه بمطالعه روزنامه های طهران اشتغال داشتم گمان مقرون بعلم این بود که باید روزنامه نگار حق بزرگی مانند حق تربیت در گردش ملت داشته باشد یا باید روز نامه نگار يك نوع مرئی وقت باشد، که بتکالیف عمل میکند چو شب خوب تحقیق نموده غور رسمی کردم دیدم روزنامه نویسی کسب همومیت کرده هر بلد و نابلدی بخودانه یا با خودانه یا در این دایره پس رفیع نهاده میخواهند همه مجلس و استقلال ایران شوند

عجب دارم از بعضی جراید که اقلأً باید مرین مرکز خود باشند ولی افسوس که از نگارشات بعضی اسباب حیرت فراهم شد، چرا، برای آنکه اعتقاد این بود که جریده نگار باید امین باشد و یا اقلأً خان کاذب رشوه خوار آلت پیشرفت حکومت منشی حکومت بادوک حکومت آقابله حکومت آتش یار حکومت دست آخر موجب خور حکومت نباشد برخی مدیران نیکو ضمیر که فقط حواس خود شانرا صرف مشتهیات حکومت میکنند چطور باید آنها را به امینی قبول کرد وقتی بمثل معروف برخوردارم

(چه در قومی یکی بی دانی کرد)

(نه که را منزلت ماند نه مه را)

باید ریاضت طبیعت را وادار بخواندن جراید صاحب اعتبار بنام.

از بد بختی اهالی بنادر است که بیچارگان نه حکومت مشروطه خواهی دارند که از روی خواهنش دل عمل ادارات قانونی برایش آنها چنانچه تا يك اندازه موطب است برقرار دارد و نه تجار کامل العیاری دارند که قد مردانگی علم کرده جداً عمارت حدود گوهر خیز خود را خواهند (تجار حق دارند نصف روز مشغول تکبیرند نصف دیگر کار وکالتی که دارند صورت میدهند کجا بی کار و بی عارند که باین کار ما برسند

نه عالم و ملای از دنیا گذشته دارند که هادی طریق مستقیم آنها گردد نه دسته بندی شیرازیها دارند که بچیدر چیدر نگذارند بد بختی منحصر به ملت باشد از این جهت علت العلل جمیع مناسد ناگوار بنادر و مفید نیتادش تصایح سودمند نامه مقدسه جبل المتین هات سو سرپوت و سیرت اهالی است، زیرا که بنادوی که طبعاً از سایر جاها منظم تر است چرا منظم با کفایتی برای اداره نمودن ادارات قانونی از مرکز نخواهند، چرا مسیو یفرم مانندی جلب نمایند، تا خراب کارهای حکومت را اصلاح نماید چرا با این بی شعوری که هستند فلان اخطار نکنند خیر خواهان ظاهری ملت را متنبه نمی کنند و نمیگویند شما که زبان گویای ملت، امین ملت، هستن چرا شغف حدود نمیکنی

چرا رشوه پیکیری و در مورد حکومت در این مأموریت کنونیست صمت محض اگر ترس دارید چرا داشته باشید، (خان خائف است)

گر مسلمانی از این است که ما ما داریم، وای اگر از پس امروز بود فردائی، زیاده از این زحمت نمیدم (افل اهل العلم، ملا علی دشتی)

از باد کوبه

در ضمن چندین عمره جریده محترمه شرحی از مفتاح السلطنه درج فرموده بودند چون برای اثبات تصیرات موسی الیه اشعارات و ادله و راهینی که در جریده درج کرده بودید بسرحد کفایت بود منتظر بودیم او ایای امور و رؤسای جمهور قرار استرداد وجوه معصومه و تنبیه و مجازات خیانتها که در زمان استبداد به پاداش پانصد تومان انعام که از محمد علی میرزا گرفته چه خواهند داد، نه العجب شنیدیم بدیری وزارت خارجه منسوب شده است، چون مدارج خیانات او که بوکلای مجلس خصوصاً در زمان تحسن سنارت انگلیس عمده که در باد کوبه - اماً عنوان کردند و غیره و غیره مشهود است و مطلقاً تردید پذیر نیست وائلاً زحمت میدهد اگر از طرف او ایای امور و رؤسای جمهور تقاعد در مجازات موسی الیه واسترداد وجوه معصومه شود مجبور خواهیم بود باصول دیگر او را متنبه کنیم و تعبیر - ایر خاشین را ایجاد نمائیم، همچنین از طهران نوشته بودند میرزا حسین خان دبیر مخصوص مدیر سابق اداره روس که در زمان استبداد واسطه محترم محمد علی میرزا ما همسایه شالی بود و کنترات پوست بره را با تاجر بانی روس و اخذ بجهزار تومان از او و سپردن کنترات پالکینگ را بمواقع لازم و اخذ مبلغی وجه و غیره و غیره را مرتکب شد و اعمال قبیحه او در جراید حقیقی فرقه مقدسه درج است و در خیانت بمشروطیت کتر از امیر بهادر نه، به جنرال قونسلگری حاج تر خاٹ تعیین شده وائلاً اعلام مینمائیم اگر بمجرد ورود به باد کوبه اقدامات قاهره درباره او شد بالقطع مقصودی جز تقاص و تلافی نیست و ایرادی وارد نمیشود زیرا دفع شر او و امثال او از خصایص وظایف این فرقه است (حسن عبدالله زاده)

◀ دستخط حضرت مستطاب حجة الاسلام (والمسلمين آيت الله في الارضين ابوالفقهاء والمجاهدين) (شيخ الطائفة بندگان آقا شيخ عبدالله) (مازندرانی متعاقب المسلمين بطول بقاءه) (مورخه ۲۸ شعبان سنه ۱۳۲۸)

جناب مستطاب عماد الله ولسانها بل جناتها و ارکانها آقای موبد الاسلام دام تاپیده

مرفومه محترمه مورخه ۲۴ رجب رسید در مسئله امتعه روسیه چون قدری امارات محس و عدم التذات ملت ایران بوظایف وطنیه و ملیه مشهود بود خیلی افسرده بودیم که چرا باین درجه عرق ملیت و حس دیانت از همه سلوب و از این مجاهده اقتصادی هم تکامل نیابنده این اوقات بعضی اخبار ساره واصل و بتوسط انجمن سعادت در شهر رجب بعضی مراکز تجارنی تلگراف کردیم که مقدمات این امر را بطوریکه بدون ضرر مسلمین محکم بحرم موقت صادر شود فراهم نموده باین خادمان شرع انور خبر دهند، وصول جواب از مراکز تجارنی را منتظریم که بعون الله تعالی آنچه تکلیف دینی و وطنی مقتضی است اقدام شود، و اما مطلبی را که از اشاعات کاذبه واصله از نجف اشرف اشاره فرموده بودید چند روز قبل از جناب حاجی محمد علی تاجر بادامچی تبریزی هم مکتوب مفصلی رسید متضمن همین اکاذیب و اشاعاتی که از نجف اشرف بایشان رسیده جوابی که بایشان نوشته ام چون صورت آن محفوظ بود امضا و مهر کرده لفا ابفاد میشود از قرار مکاتیب عدیده که از اسلامبول و جاهای دیگر رسید همین اکاذیب و مفتریات را با اسلامبول و سایر نقاط مهمه نوشته در جرائد ترکی و فارسی و تیرها هم چون با همه ربط دارند درج کرده و حق اذهان اولیاء دولت علیه عثمانی ایدم الله تعالی را هم بیک درجه از این اکاذیب و مفتریات مشوب نموده اند، ما هم که غالبانه از مندرجات جرائد مطلع و نه در مقام رد و تکذیب و اعتراض هستیم آنچه تحقیقاً بدست آمده تمام این اشاعات و اکاذیب از دو منشأ ناشی است، یکی از شبیه انجمن سری مرکب از ملاحده و معاندین اسلام که در طهران منصفه است و بجناب اشرف و اسلامبول و سایر نقاط مهمه هم شعبه دارد، انجمن مذکور چون سلب نفوذ و محو مقام ریاست روحانیه اسلامیه را مقدمه وصول بمقاصد ملعونه خود و محو آثار اسلامیت ایران دانسته و با اغلب جرائد و مسجلات و غزتهای مسترکبه و غیره ارتباط دارد لهذا این را اکاذیب و مفتریات و با این غرض نشر میدهد

دوم بعضی اتباع و کارکنان همسایه ما در نجف اشرف از ابتداء گفتگوی مشروطیت تا حال بصورت خود را هوا خواه مشروطیت ایران قلمداد نموده و بهمین وسیله همه جا مرتبط شده تا حال پلتیک دولت متبوعه خود را طور دیگر مقتضی میدانست ما هم ملتفت بودیم و برده بونی میکردیم حالا جوش مطلب بیک درجه از برده بونی گذشت و از طرف دیگر پلتیک متبوعشان هم ماور دیگر اقتضاء نمود چون آخرین علاج تخلص ایران از جنجال آنها متوقف باقدام دیگری از داعیان است لهذا این اکاذیب و مفتریات را برای آنکه زینه آن اقدام را از میان بردارند اشاعه میدهند، مقام کیاست و فراست جناب عالی البته اجل وارفع از آن است که منشأ این اکاذیب و مفتریات بر آنجناب مستور باشد

تجیر ما از بعضی جرائد اسلامبول است که چرا باید اینقدر را ملتفت نباشند که تخلص ایران از تجاوزات ظالمانه روس که حقوق وطنیه و ملیه و بلکه بشریه ما را لکه کوب حملات ظالمانه خود نموده از اهم تکالیف دینی خود میدانیم و تا آخرین نفس در اداء این وظیفه و قیام باین تکلیف بجان حاضریم انشاء الله تعالی، چنانچه جناب عالی رسماً تمام این اکاذیب و مفتریات مندرجات جرائد مذکوره را از جناب داعیان تکذیب فرمائید خیلی بموقع و از جهاتی شاید لازم باشد، و یک مطلب دیگر را محض مزید تنبه خاطر شریف لازم است اطلاع دهم تمام عداوت این دو دسته دشمنان دین و وطن ما که بر پایه اعدام اسلامیت و استقلال ایران در نجف اشرف هم شبیه دارند بعد از شخص ما دو نفر یعنی حضرت آیت الله خراسانی مد ظله و احقر در مرتبه ثانیه بجناب مستطاب صنوة الفقهاء و المجتهدین الاعلام و رکن الاسلام آقای آقا میرزا محمد حسین نائینی دامت برکاته متوجه و بلکه نسبت بشخص ایشان از جهات عدیده که باید خاطر شریف مسبوق باشد عرضایت و عداوت و حسدی فوق العاده دارند، و از اشاعه هر کذب و افتراء بایشان خود داری ندارند، این نکته را هم لازم است متذکر و در قیام بوظیفه که در عهده مثل آن جناب مستطاب است مبادرت فرمایند انشاء الله تعالی، در خصوص طبع و نشر تلگراف مورخه ۱۶ ج ۲ گویا از بلاهایی که از این اداره سازبها و دسته بندیها با اساس قویم مشروطیت رسید و ملت فلک زده ایران را که نوعاً عاشق مشروطیت بودند بضدیت وادار نمود خاطر محترم مسبوق نباشد، چون علاج این بلاها

نشر چنین مقاله مشروحه ممکن نبود لهذا شرعاً و عقلاً لازم دانستیم که این تلگراف منتشر شود الحمد لله بیک درجه این اثر بر آن مرتب و چنانچه بسمون الله تعالی مندرجانش مجری گردد اتحاد کله ملیه که وسیله منحصره حفظ مملکت و قطع طمع احاب است حاصل خواهد بود انشاء الله تعالی، و لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم والسلام علیکم ورحمته و برکاته
حرره الاحقر عبدالله انازدرای

حبل المتین

پس از هجده سال مقنصیات سیاسی ما را مجبور داشته که برخلاف داب و دیدن خود عمل نموده به نشر یک مراسله شخصی که هماره برخلاف مسلك مان بوده ابتدار بهمیم) عات این ترك مملك چند امر است. اول اهمیت موقع دوم لزوم به تبیان بعضی مواد که بدون نشر این مراسله عمل می ماند، سوم رفع برخی شبهات از عوام، چهارم متنبه ساختن مصادره امور به بعضی نکات مهم، ازین رو از حضرت آیت الله فی الارضین سیدگان آقای آقا شیخ عبدالله انازدرای مد الله المسلمین بطول تقائه از دو طریق معذوت میجوایم - یکی آنکه به نشر مراسله شعبه حضرت شان مبادرت رفته دیگر آنکه با آن ارادت قلبی و تعجبت مطلقه که از سیدگان ما داریم ناچار به رفع برخی شبهات و کشف بعضی معصلات سیاسی گردیده ایم چون حسن توجه حضرت مستطاب عالی را نسبت باین پیر خادم اسلامیت یقین داریم مقنی است که هرگاه سهو و خطای در این بیانات ملحوظ آید بعلم تربیت متذکر فرمایید

جای شبهه نیست که به نظر سطحی قبل از اقدام به ترك استعمال امتعه روس دشوار و تا درجه مورت زبان بعضی اشخاص تصور می شود، ولی دشواری این امر تا حائ است که اقدام شده و هر که شروع شد سهل ترین مواد دفاعیه دیده خواهد آمد دلیلی هم محسوس تر ازین نمیشود که از ده سال باین طرف مشاهده می حکیم هر ملت ضعیفی در مدافعه متجاوزین همین آله را بدست گرفته خصم قوی بجه خود را مخدول ساخت است. چند سال قبل همین اقدام را چینیان در برابر اریکا نمودند و مقصی المرام گردیدند. شرمه از هندها با آن احتیاج و دل عبودیتی که نزد انگلیسان دارند از چند سال به این طرف ترك استعمال امتعه انگلستان را نموده و دیروز عنایان همین سلوک را با اطریش کرده بمرام خویش نائل آمدند. و امروز هم در برابر حق تلفی یونان همین روش را اختیار کرده

زبان منصوره آن فقط برای چند نفر اسکشت شمار است که امتعه روسیه را پیش خر کرده و یا موجود دارند، اولاً رفع این زبان درهتهای سهولت ممکن و در حکم تحریم هم مراعات آن دشوار نیست، دوم در منافع نوعیه ناچاریم از مصار شخصی صرف نظر نماییم، سوم اید مصار و منافع این عمل را بمعیار آورده و طرف رجحان را از دست نداد

امروزه باغای جمهور نامایان منابع اقتصادی و سیاسی ایران در ترك معامله با روسیان نادانده است که از شرح بیان خارج است. علاوه بر منافع اقتصادی آن از همه بالاتر اینکه حیات استقلالیه اراش منوط است به بیداری حسن ملی، و بهترین اسباب هیجان حسن ملت همین نکته است. از برکت این اقدام هزاران نفوس بران نگر وصامت خواهند افتاد، از اراش چایی حسن ملی سایر متجاوزین هم حساب خود را خواهند نمود. چون درین موضوع خیلی نوشته و تشریحات لازم داده ایم درین مقام همین اکتفا نموده میگوایم « امروز بیگانه مای ایران همانا ترك استعمال امتعه روس است» و بمقام منبع ریست روحی اسلام با آن ادلایات کافیه و اسطه که بر سیاسیات اسلام و ایران داریم اسمیمان میبدهیم « مافع ترین امور برای ایران و اسلام امر سیاسی و اقتصادی و صنعتی همانا ترك معامله با روس است» علاوه بر اینکه سالی صد مایون مع ایران و ضرر روس میشود ملت روسیه را در حلقو محاورات دولت خود با ایران بصدای آورده مجبور می سازد که ناچار دست از تجاورات خود بردارد، این نکته را هم باید دانست که روسیه را ما آنچه میگیرد ماکولات و ناگزیر ارحاب آن است و ما امتعه او مستغنی هستیم یعنی ما بمبادل مال روسیه را در داخل و خارج میتوانیم بدست آریم و روسها بش مال ما را هم نمیتوانند تهیه نمایند و بر فرض هم که بتوانند باید چندین برابر امتعه ایران قیمت بدهند، و رعایای روسیه تحمل این گرانی را نتوانند نمود، و در معنی توایید یک گونه تخفی برای روسیان تواند کرد، علاوه بر این ایرانیان درین موضوع اقتصادی معاون و مؤید خیلی پیدا تواند نمود، برخلاف روسیان، چه رقابت اقتصادی بین جمیع ملل و دول موجود است، این نکته را هم نباید از یاد داد که روسیان تا وقتی اراش بیداری حسن در ایرانیان نه بیند دست از سر اراش بر نخواهند داشت، و بزرگترین فائده که از این اقدام برای ایران حسی میباشد این است که هر قدر زود تجارت روس در ایران کم شود از قوت

ولی نیز بر اینکه هنوز ملت ایرانیه دارای حس سیاسی و ملی نشده اند لازم گردیده که سلسله جنیان این حس سیاسی ملت هم مقام منبع ریاست روحانی اسلام بشود
 لهذا با کمال ادب عرض می نمایم که ابدای بری صدور حرمت استعمال امتعه روس می تأمل مانی نماید و هر ساعتی که تأخیر شود بر جبارت و اقتدار روسیان در داخله ایران خواهد افزود و مرعوبت و برحمتی که قائل استقلال است در ایرانیان زیاد خواهد گردید

مقام منبع ریاست روحانی اسلام میداند که این پیر خادم اسلامیت احاطه بر سیاسیات ایران و اسلام پیش از دیگران دارد و بنده تجربه هم فرموده اند که از بحال باین حرف آنچه در معاملات ایران قبل از وقت عرض کرده ام واقع شده و جز خیر ایران و اسلام هم منظوری ندارد و اینک یکسال متجاوز است درین موضوع سرا و عائنات عقائد خود را عرض کرده کان مدارم پیش از این لازم تحقیقات خرجی باشد و هرگز هم تصور نمیکنم که ایرانیان با آن همه برحمتی و برودت ز مهربری تأمل در امر از حرارت و قبول این حکم نمایند چه اندازه ملت در ترك استعمال امتعه روس مستعد گردیده که اگر چندی دیگر بدین منوال بگذرد یعنی از مقام منبع ریاست روحانی اسلام هم حکم تحریمی صادر نشود ملت صبر سکرده خود بخود ترك استعمال امتعه روس خواهند نمود، اصرار ما از اینکه این مسئله سیاسی را لباس تنوع پوشانیم بیشتر برای سرعت نفوذش در ملت میباشد، و نیز ممکن است بواسطه این حکم مشکلاتی برای روس در مسلمانان داخله آن تواید شود، و ره این امر ضییعی و ایرانیان مجبور به تعدیل آن هستند نهایت امروزه نه فردا و کان نداریم که تحقیقات مقام منبع ریاست روحانی را هم نتیجه جز آنچه ما عرض نموده ایم حاصل شده باشد، لذا استدعا می نمایم که این موضوع اهم را که روح استقلال ایران شناخته میشود پیش ازین در نوبه تعویق نگذارند که تاخیرش مزید مضار مسلمانان است
 من باب واقعات طهران و دسته بندیهای بی مسلك و تلگراف مقام منبع ریاست روحانی اسلام تمام واقعات و دسته بندیهای طهران یا بالأصله از ظرف روس بود و یا روسیان بهر وسیله که بوده رسی بر آب زده دسته را برانگیخته من غیر شعور برقص آورده بدون اینکه معلوم گردد مایه آن انقلابات و دسته بندیها کیست مکرر درین موضوع اشاره نموده ایم روسها در ترکستان میان شیعه و سنی جنگ می اندازند تا اشلاف بین ایران و عثمانی واقع

دست خود را تبدیل به دستهای دیگر میدهند -
 خیر مایه اختلافات طهران که سرایت به نقاط دیگر هم نموده بود تمام روسیان بودند بین ستار خان و باقر خان را بهم نه زد مگر روس، آتش فتنه بین سپهدار و سردار اسعد بنفروخت مگر روس، دولت را به خلع سلاح مجاهدین زیر چنبدین بوده روس محرك آمد و مجاهدین را به ترك سلاح نگفتن روس وادار کرد قاتل آقا حاجتالاسلام شهید سهرانی روسیان بودند، علت این اقدامات مانند آفتاب روشن است دلیل و پینه نمی خواهد اندکی عقیده خود را تعبی داده که با کمال ادب عرض می نمایم صدور آن تلگراف موحش از مقام منبع ریاست روحانی اسلام همانا روس بوده است، یعنی رنشر را در طهران چنان ریخت که مقام منبع ریاست روحانی اسلام را مجبور بصدور چنین تلگرافی نماید این خادم اسلامیت با اینکه حرفها تلگراف مذکور را مصدق و بر طبق احکام خداوندی میدانم ولی بر حسب سیاست کنونی ایران اشاعتش را در عوام ناپسندیدم و همین سبب بود که شرآن تلگراف را تلافی سیاست مقتضیه ایران دانسته در جبل المثین درج نمودیم چنانچه روسیان به دسائیس سعی گردیدند بلکه بوسیله آن تلگراف جوی مای خون بین بخنباری و مجاهدین کبلانی و غیره ساری نمایند چنانچه بوسیله آن تلگراف شمشر مخالفت بین سپهدار و سردار اسعد آخند شاید در آن انقلاب ایرانا بتنبه خود در آورد و تذریعه این تلگراف ملت را بر مخالفت مجلس برانگیزد از ادای مالیات های مستقیم و غیر مستقیم باز دارد و اگر دو روز دیگر جلوگیری از دسائیس روس نشده بود مجلس موجوده زیر وزیر میگردید و با این وضع کنونی که چهار طرف مان را لشکر بیگانه احاطه نموده و دشمنان داخلی هم از هر سو در انتهای فرصت نشسته بودند محال بود که مجدداً بهر مشروطیت بلکه به بازگشت سلطنت مستبده هم متعقد گردیم چه در چنین موقع برای پیشرفت مقاصد خودشان روسیان سالیان دراز رشته جنگ خانگی را کشانیده همه روزه برای از دیاد قیام قشون خود بهانه موجود نموده تا یک مرتبه استقلال ایران را معدوم سازند نه اینکه العیاذ بالله کسی خیال کند که مقام منبع ریاست روحانی اسلام را ذره ازین تصورات در صدور چنین تلگرافی ملحوظ بوده بلکه اسباب چنین فراهم بود که اگر عقلای باسیاست پیشیندی نکرده بودند ممکن بود روسیان این اثرات را بر آن تلگراف مرتب دارند و بقدری کار بالا میگرفت که جلوگیری آن از مقام منبع ریاست روحانی اسلام هم ممکن نبود

آرائش و میثاً من غیر رام بود سیاسیون عثمانی را هم یکدفعه شوش داشت چنانچه یکی از رجال سیاسی بزرگ اسلامبول در مراسله هندی هم شعبان چنین مینویسد « تلگراف آقایان نجف اسلام را بی معین و نوع علمارا لکه دار ساخت زیرا دولت روس با دویست هزار قشون جرار هم در عوالم اسلامی نمیتوانست مقاصد خود را اینگونه از پیش برد این تلگراف سر تاپا مقاصد روسیان را در ایران تأیید می نماید اگر آقایان سهو کرده اند سبحان الله و اگر از روی عمد بوده نعوذ بالله تمام سیاسیون عثمانی از عنوان این تلگراف عرقه حیرت و سر تاپا متوجه و بنای بایدن خود شارا گذارده اند جریدة المنتخاع عثمانی مینویسد « آقایان نجف تمام هم خودشان را درین امر صرف می نمایند که احکام کتی یا تلگرافیشان عملو از الاط ذو معانی مهم باشد که هر قسم زمانه پیش آمد بدان طریقش تأویل نمایند ؟ شاهد این مقال تلگرافی است که بر خلاف مجلس و مشروطیت ایران صادر نموده اند « جراند روسیه « آن تلگراف را تأیید آسمانی برای روس میگوید آن تلگراف را دلیل قرار داده نوشتند « چون اقلاب طهران از صدور این تلگراف حتی است باید روسیه قشون خود را بطهران به برد و دعات در امور حکومت ایران را حتی قرار دهد « و ما با صاف نوشتند « رؤسای مذهب شیعه اصول مشروطیت را مخالف با قواعد مذهب گفته « ما هزاران افتراآت دیگر

اخبار (ویلر) که يك از جراند معتبره و طرفدار مشروطیت ایران است بعد از درج خلاصه ترجمه تلگراف مذکور از جراند روسیه با کمال استعجاب مینویسد « خوشبخت ترین ملل روسیه است که اینگونه اسباب فتح برای او فراهم می آید عجب این است که بزرگترین دشمنان روس علمای ایران بشمار میرفت و امروزه بزرگترین مؤید روس در فتح مملکت اسلامی ایران صدور اینگونه احکام و تلگرافات است «

روزنامهجات فرانسه و انگلیس هم درین موضوع بحثها دارند چنانچه اخبار (هرلد) مینویسد « روسها از بعد پتر کبیر در صدور تسخیر ایران بودند ولی درین بحال اخیر بدون ضرر و نقصان مقضی المرام گردیده روحانین مذهب شیعه هیجان کرده صد هزار نفوس را بکشتن و صد ملیون خساره باهل ایران وارد آورده تا وقتی که قوای يك خاندان صد و پنجاه ساله را معدوم ساخته بشکل شورویش در آوردند

اینک همانها مصمم گردیده که صد هزار نفوس دیگر را هم بکشتن داده تسلیم روشن سازند « صد يك آنچه نقل شد در موضوع آن تلگراف ذکر نکردیم ، مسلم است در صورتی که از آن تلگراف ملل دانا و رجال با سیاست دنیا مانند عثمانی وغیره چنین استنباط کنند ملت بی علم بی تجربه بی سیاست ایران که غالب حرکاتشان بغیر اراده است چه استنباط خواهد نمود خصوصاً در چنین موقع تشمت خیالات مشهه میرزا ابوالقاسم و نایب الصدر زنجانی در نجف پیش آمد و شهرت دادند که برخی مخافتهات بین قوسل روس در بغداد و آیه الله زاده رد و بدل گردید ، مسلم است که تا چه اندازه این پیش آمدها خبر الات عامه را مشوب تواند ساخت و ابواب خوشبختی را روسیان باز تواند داشت

ما مکرر نگاشته و در شماره هشت نیز در اقدامات روسیان در سلب نفوذ کلمه روحانیت در ایران نوشتیم حالهم با وازیکه محوصه کرده را بر باید میگوایم و ملت محبوب خود اضمئنان میدهیم که ساحت اقدس مقام منبع ریاست روحانی اسلام باک و مزه ازین افتراآت است و تمام این افواهاات بمجموله را روسیان برای پیشرفت مقاصد خود جعل میبایند چه امروزه دولت روس را اگر ما داخلی در پیش است همانا نفوذ کلمه روحانیت میباشد است بر طبق سیاست روسها در سبب بود روحان سلام همه قسم حاضر اند ولو ملیونها صرف میباید از امتراء مقام منبع ریاست روحان اسلام چه پروا دارند این نکته را هم تمام منبع ریاست روحانی اسلام و ملت ایران بدانند که بزرگترین دستی که روسیان در داخله ما دارند همانا دوفرقة اند ، یکی فرقه بابیه میباشد که از يك قرن باین طرف در زیر سایه حایه روس برای چنین روزی آزادی یافته ، و دیگر فرقه استبداد خرام که حامیان محمد علی هستند ، فرقه بابیه باصول مذهب موهومه خود ضد مجلس و مشروطیت ایران اند چنانچه در الواح مضله خود مجلس را جمع الشیاطین و جبل المقتین را جبل الؤهین و دوره مشروطیت را دوره فترت گفته محمد علی را بنوید فتح امیدوار ساختند تا آنچه نباید بکند کرده امروزه در ایران حای محمد علی و ضد مشروطیت و دشمن مقام منبع ریاست روحانی اسلام جز این فرقه و ارتجاعیون سراغ نداریم ، ظاهراست این فرقه برای پیشرفت مقاصد خود به روسیه که بتوانند جمعی از مشروطه خواهان حقیقی و مسلمانان باک را هم متهم میسازند چنانچه درین

موقع انقلاب هم ساخته اند و در سلب نفوذ کلمه روحانیت و انداختن نفرت از آنان در قلوب ملت و نفرت آنان از اصول مشروطیت دقیقه فروگذار نمی نمایند، مقام ایرانیان بس نازک و تمیز غش و نمیی و حق و باطل خیلی دشوار چه غرض حقیقی این طایفه گل آورد نمودن آب است بهر قسم که ممکن شود و بهر لباس و طریق که پیش آید حاضر اند ایرانیان خیلی باید هوشیار باشند و مقام منبع ریاست روحانی اسلام هم در مراسلات تلگرافی و کتبی خیلی باید مدافعه فرماید که نرو خشک و با گناه و بیگناه هم نسوزند، و مقتضیات وقت و مقام نازک ایران زخیرخواهان حقیقی اسلام را ملاحظه فرموده از صدور احکامی در عوام اخوان الشیاطین بتوانند سوء تفهیم پیدا نمایند دست باز دارد

غرض تمام این فتنه و فساد ها تمام این سوء تشبه ها تمام این املاجات تمام این اختلافات را منبع و منشأ بالاصالة روسیان اند و هم برای اسمحلال اسلام و صرف ایران است با اینکه این مشایخ ما به اتفاق جمیع سیاسیون است عجب درجه از حراند اسلامی که باید صرف نوائف عشر و واقف بقتضیات وقت باشد چه شور ازین نکته اهم صرف بر نمود، آتش بیار روس و آشورکردان این و آن میگردند و اشاعت میدهند که اثراتش بر جسم مقدس اسلام ز شمشیر بران دشمنان الاتراست

درست باید شور نمود تا خدای ناخواسته اگر بود کلمه روحانیت در ایران زائل گردد ~~مستدام~~ نبود در مقابله خصم خون خوار داریم و با کدام قدرت در جلو روسیان خواهیم ایستاد ایرانیان اهم بر بی دیانت و بی دیانت باید بدانند در مشرق زمین تا صد سال دیگر هم باید در سببه مذهب و سایر سیاست و قومیت را از پیش برده چون حسن ملیت نداریم اگر ما غیر از این راهی اختیار نمایم اقلاً باید دو بیست سال طوق عبودیت اجانب را بگردن انداخته وزیر فشار خارجه مانده مال داده جان داده ناموس داده شرف داده دیانت داده آداب و اخلاق و مراسم و عادات قومی داده، یا الله حسن ملتق مان بیدار گردد

پس اگر ما شرف دوست، وطن خواه، استقلال پسند، دیانت شعار ناموس پرست هستیم هماره باید با جمیع قوای خود مدافعه از ساحت مقدس مقام منبع ریاست روحانی اسلام به نمایم، و افترا آتیکه بر

آن ساحت مقدس دشمنان میزنند با تمام قوای خود رد کنیم نه رمیا من غیر رام آتش بیار دیگران ~~کردیم~~

نامه مقدس جبل المتین ~~که~~ بلند کننده بیرق مشروطیت اسلامی و علم دار اتحاد اسلام است از اشاعت کادیه و مفترباتی که دشمنان اسلام بساحت مقدس مقام منبع ریاست روحانی اسلام داده تکذیب نموده بجمیع مسلمانان دنیا و ایران خواهان حقیقی رفع شبه نموده اطمینان میدهد که مقام منبع ریاست روحانی اسلامی کما کانت بلکه اشد قوه در تشبیه مبانی اساس مشروطیت اسلامی قائم و مستقیم اند و دیری نخواهد گذشت ~~که~~ با یک هیجان مقدس ساحت ایران را از لوث قشون خارجه پاک خواهند فرمود، گوش منتزعات دشمنان مدهاید و سلب توجه ازین ساحت قدس که سعادت دین و دنیای ما در سایه اوست نه مایه نه سرتاپا نفع برای دشمنان و زین رای خودمان خواهد بود

و بز اولیای دولت علیه غزایی و امنای العین اتحاد ترقی را متوجه میسازیم که امروزه دشمنان ایران و اسلام دست در همه جا دارند و برای اتلاف حقوق مسلمانان از هیچ گونه افتراء بساحت مقدس مقام منبع ریاست روحانی اسلام باز نمی آیند و نبوتی در رد آن افتراءات از تکذیب صریح مقام منبع ریاست روحانی متصور نیست و چون میدانیم از این و بعد هم از حمل اهذیب و افتراءات باز نخواهند آمد لازم دانستیم بدین مختصر حلب توجه خاطر معالی مظاهر را نموده باشیم و ممکن است که برای تحقیق و جلوگیری از جعلیاتی که مناسدش راجع باسلام است بلا واسطه از مقام منبع ریاست روحانی اسلام تحقیق فرمایند و بکارشات و سخنان ارباب غرض خاطر معالی مظاهر را مشوب سازند، و همچنین ایرانیان را به نکته که حضرت آیه الله مازندران در حق جناب مستطاب مجتهد نائینی سلمه الله تعالی فرموده اند متوجه داشته تاکید میکنیم که از منتزعات دشمنان در حق ایشان مشوب و مشوش نگردند و خدماتیکه این وجود محترم به تصدیق حضرات آیات الله در طریق مشروطیت و اسلامیت فرموده اند چشم پوشی نه نمایند ~~که~~ قدرانی خدمات خدام حقیقی اسلام بزرگترین سعادت مسلمانان بشمار است که فرموده اند (من لم یشکر الناس لم یشکر الله)

(قیمت اشتراك)	ولا حق اخذ ابروہ بدون قبض ندارند و تاوقتیکہ (مشترکین را قبض مخصوص سال هجدهم دست نباشد)	(جبل المتین کلکتہ)
(سالانہ — شش ماہہ)	(ذمہ شان بری شفاعتہ نمیشود)	(مدیکل کالج امریت نمبر ۴)
(ہند و برہمہ)	نامہ مقدسہ	HALLUCI. MARTIN OFFICE 1 MEDICAL COLLEGE DISTRICT CALCUTTA.
(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)		(کلیہ امور ادارہ نا)
(ایران و افغانستان)		(مدیر کل مؤید الاسلام است)
(۴۰ قران — ۲۵ قران)		(ہر دو شنبہ طبع)
(عثمانی و مصر)		(ہر دو شنبہ توزیع میشود)
(۵ بجیدی — ۳ بجیدی)		(ہر دو شنبہ)
(اروپا و چین)		(۲۸ رمضان المبارک ۱۳۲۸ ہجری)
(۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک)	سنہ ۱۳۱۱	(مصادف با)
(روس و ترکستان)	مراسلات خصوصی بدون امضای	(۳ اکتوبر ۱۹۱۰ میلادی)
(۱۰ منات — ۶ منات)	معروف ادارہ درج نمیشود	

الملك

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست)

احدی محل اطمینان خاص و عام نبوده میتوان گفت کہ در جنس ایرانی ناصرالملک مخالف ندارد و هیچ کس از ایرانیان نسبت ہوا برستی و خود خواهی بہ شخص ناصرالملک نمیدهد ، کسی را سراغ نداریم کہ ناصرالملک را نسبت طرفداری یکی از ہمسایگان بدهد و یا ناصرالملک را بیک یارتی نسبت دادہ و خدای ناخواستہ از کفہ عدم دیانت بروی شان بگذارد

(۳) ناصرالملک در مہتہا درجہ محل اطمینان عامہ اہل علم خاصہ مقام منبع ریاست روحانی اسلام میباشد و میتوانیم گفت کہ ناصرالملک ہر طرف میلان پیدا نماید دولت بہان طرف ملت بہان طرف نفوذ روحانیت اسلام ہم بہان طرف میلان خواهد نمود ، بہترین موالت ، بزرگترین آلہ اتحاد ملت و عالم ترین رجال سابق بحرکات نوع تواند بود و این جمعیت اسباب احدی را موجود نیست . ناصرالملک با آن ہمہ بساقت و تعلیمات غربی آداب ایرانی خود را فراموش ننمودہ و پای بند تر از تمام رجال باحکام شرعیہ است نالی جمال الدین در تقریر و نالی امین الدولہ در تحریر است

(۴) ہیمنہ علم و دانش دبدبہ متانت و قابلیت و طنطنہ بی غرضی و وطن پرستی ناصرالملک گردنی

دورہ ترقی و امنیت ایران توام شد
در آغاز تشکیل کابینہ جدید نگاشتیم ، کابینہ سپہدار دورہ انقلاب را با مہتہا درجہ فصاحت و کامیابی طی نمودہ و کابینہ مستوفی الممالک دورہ امنیت را رہسار است و پس از آنیکہ آقای ناصرالملک بروی کار آید دورہ ترقی ایران باید شناخت ، گویا مشیت الہی بسرعت ترقیات ایران تعلق گرفته کہ در ہمین دورہ رائق و فائق حقیقی مملکت ناصرالملک قرار گرفت

چہ نیابت سلطنت ایران امروزہ دارای تمام اختیارات و اقتدارات سلطنتی است . اگرچہ ہر نایب السلطنہ دارای ہمین اقتدار و اختیارات است ولی نایب السلطنہ ناصرالملک دارای مزایاتی است کہ آن مزایا در دیگری دیدہ نمی شود

(۱) ناصرالملک اول شخص ایرانی است کہ درجات تعلیمی خود را با ترتیب فہیح بر اساس متین گذارده و بہ تصدیق جراید اروپ ناصرالملک لایق و قابل است کہ در کابینہ های دول معظمہ اروپا شرکت نمودہ متکفل یک وزارت عمدہ گردد و تاکنون ایران بوجود چنین نعمت توام نیامدہ بود و بر فرضہم کہ آمدہ باشد این جمعیت اسباب تہمروزی و فقد موانع برای شان فراہم نبودہ است (۲) از پنجہ سال باہن طرف مانند ناصرالملک

را نگذارده که نزد او خاشع نباشد، و سری که به سرکشی در مقابل او بایستد سراغ نداریم، احدی از بزرگان کشوری و لشکری و ایلی اعم از قاجاریه و بختیاری و قشقایی و غیره تمدد از احکام او نماید و بار اطاعت ایشان را شکست خود تصور کند نمی شناسیم، و همین نکته برای رفع اختلافات از بزرگان نعمتی است بزرگ

(۵) هیج وزیر داخلی و هیج مستشار خارجی نمیتواند به علم و دانش خود مغرور شده راه خود سری ببرد و یا امر را بر ایشان مشتبه ساخته مانند (نوز) که وزرای مارا احق ساخته خر خود را براند طیبی است که هر جاهل ولو بهر مقام عالی نزد هر عالم ولو بهر پایه دانی باشد خاضع و خاشع است، و اینگونه خضوع و خشوع برای یک وجودی که مصدر تمام امور است - ز زیان بار نیارد، مسلم است که شخص عالم اشخاص عالم را بروی کار می آورد و جاهل جاب همچنان خود بگذرد، دلیلی روشن تر از این نیست که در دوره امیر السطان همین ناصر الملک را حکومت کردستان مرحمت میشود و در عهد میرزا علی حنف امین الدوله ایشان بوزارت مالیه و حرجه نامرد می شوند، ازین و بعد باید مطمئن گردید که کار بکار دان سپرده خواهد آمد و امتیاز فضلی معیار ترقیات شناخته خواهد شد، از فسون مستشارهای خارجی مصون خواهیم بود، هر کس ماندازه گایم خود پی دراز خواهد کرد و هوسهای حالم رفته رفته از سرها بدر خواهد رفت

(۶) ناصر الملک از برکت تعلیم و ابراز یافت در مقامات عدیده خویشین را در کابینه اروپا محبوب القلوب و محل اعتماد قرار داده، حتی دشمنان ایران می توانند بناصر الملک نهمت زنند که خیالاتش دگرگون و یا در حق او قائل گردند که از عهده این مقام منیع بیرون نتواند آمد، و این حیثیتیکه ناصر الملک در پیش خودی و بیگانه آسیانی و اروپائی داراست بحال امروزه ایران خیلی نافع و بزرگترین جلوگیری ها را از مهانه جوئی همسایگان تواند کرد، ناصر الملک محب وطن و حامی استقلال ایران است. دول روس و آلمان و عثمانی و انگلیس نمیتوانند سمت طرفداری یکی از دول را باین وجود محترم بدهند. این مزیت ها و بسیاری

از مزایای دیگر که شرحش همین مختصر ننگینجد امروزه منحصر در شخص شخص ناصر الملک است، و خیر ایران هم در این انتخاب بود و باید گشت « دوره امنیت و ترقی ایرنا توام گردیده است »

انهای وطن محبوب خود را باین حسن انتخاب مجلس مقدس تبریک گفته متذکر می شویم، تا ایندروجه که تاکنون سنگ روی یخ این و آن شده خویشین را بخاک سیاه نشانده اند کافی است

امروز روزی است که دست اتحاد بیک دیگر دادم با حضرت اقدس ناصر الملک که بیگانه فرزند عالم لایق وطن شهاست همراهی و اعتماد کرده کشتی شکست خورده استقلال خود تارا از گرداب فنا برهانید، و نیز مقام منیع ریاست روحانی اسلام را ازین حسن انتخاب مجلس مقدس بشارت میدهم که آنچه منظور نظر آن موالی است در همراهی و همدستی با حضرت اقدس ناصر الملک توانند یافت

امروزه که مجلس مقدس ایران این وجود اقدس را به نیابت سلطنت انتخاب نموده هر گاه مقام منیع ریاست روحانی اسلام و سایر طبقات ملت با خیالات ایشان هم ای نمایند اخراج قشوق بیگانه و تهیه قرض داخلی و جلب مستشار خارجی و انتظام ادارات و امنیت ولایات و تشکیل اردو ای لازمه در کمال سهولت و در منتهای سرعت حاصل تواند گردید (۷) ملت ایران تا درجه اطمینان بناصر الملک دارد که با تفضل و ضمانت شخص ایشان هر مقدار قرض داخلی بخواهند در ادایش حتی الامکان عذری نخواهند آورد، و اعتمادی هم که اهالی اروپا عموماً باین وجود دارند - در صورت ضرورت از استقراض بین المللی هم استفاده گای با نفع کم و شروط ساده اقتصادی حاصل توانند فرمود -

پس ایرانیان راست که قدر این وجود مفتخر را دانسته دست اتحاد و یگانگی در اجراء خیالات ایشان بهم داده نجات ابدی حاصل نمایند - به عهده ما برای امروزه ایران شخص شخص ناصر الملک از امیر کبیر میرزا قلی خان و مدحت پاشا و بسارک و لارود سالسبری بهتر خدمت تواند نمود ایرانیان باید بدانند که یکی از اصول پلنگ

هنوز مسلمانان عالم را ساکت گذاشته، تا اینکه خبر رسید که انجمن اتحاد ترقی برادران اسلامی لندن مجلسی با شکوه معتد و صریحاً در آن بیان شده که عامه منصفین دنیا و مسلمانان عالم از رفتار ظالمانه و جابرانه روس متألم اند چه ظلم و جور روس در ایران از حد صبر بیرون است، این شکایت مسلمانان و اهالی لندن پیش از وقت نیست و یقین است که مسلمانان دنیا بر این امر متفق‌الرأی هستند، اگرچه این ظلم و ستم روس بر ایران تازگی ندارد، ولی پیش از این تا ایندرجه محسوس نبود، خوب است شمه تشبیهات مجده فانه روس بر طبق تاریخ اشاره شود، در سنه ۱۷۲۲ عیسوی روس بسوی حدود ایران نمود و کم‌کم بر نفوذ و اقتدار خویش افزوده تا وقتیکه زحزمه سلطنت مشروطه شد، و از اقتدار روس رفته رفته کاست، حالت دولت جدید ایران این زمان خیلی مذبذب است و نه فقط این مسئله برای مسلمانان عالم بلکه برای تمام سلطنت‌های آسیائی کمال اهمیت را دارد، زیرا که اگر از نقشه آسیا صورت ایران محو شود مثل اینست که از صفحه بوستانی جنی را یمال نمودند، در لندن مجلسی که درین موضوع منقذ شد ظاهری دارد تاثر اهالی نصف دنیا را در معاملات ایران

مجلس مذکور نه تنها منحصر به مسلمانان بلکه از قاطبه ملل مختلفه آسیائی و اروپائی مشحون بود رئیس مجلس جناب (داکتر سید عبدالجید، ال، ال، دی، بارسترات لا) از تاریخ مظالم روس بایران از زمان (پتر کبیر) تا زمانه هذا بر سیل اجال سیاب نمود، فرداً فرد سامعین بنظر دقت بیانات مشارالیه را شنیده، و از سلوک منصوبانه روس بر هر یک از آنها حالت رقی مشهود گردید و چنان در انظار مجسم شد گویا اژدهائی بجه گوسفندی را در کار بلع است، مسلک مجضاه روس از سنه ۱۷۲۲ عیسوی شروع و آن هنگامی بود که روس بر (داغستان و دربند) قبضه نمود، در سنه ۱۷۲۶ (بادکوبه) و در سنه ۱۸۰۹ (جارجیه و سیوان) و در سنه ۱۸۰۴ بر (گنجه و شیروان) دست تصرف دراز نمود، اراکین و حکام دولت ایران از مشاهده انحال نیز متزجر شدند

همسایگان در تخریب رجال کار آگاه ما این است که تمجید و تعریف زیاد از وی نموده اگر بتوانند او را با خیالات خود همراه جلوه داده و رنه همراهی خودشان را نسبت باو اشاعه دهند - چون ملت منتهای سوء ظن را در حق همسایگان دارد، بمجرد این بیانا - تولید یک سوءظنی در آحاد می‌شود، اینک ما ملاحظه می‌کنیم که جرائد انگلیسی حق تمجید و توصیف را از ناصر الملک نموده اظهار همراهی خود را با خیالات ایشان نمایند، و این مسئله نباید سوء ظنی در ملت تواید نماید، چه حضرت اقدس ناصر الملک تا امروز امتحانات عدیده در وطن پرستی و بشروطه خواهی داده و از بوته امتحان بی غش بیرون آمده اند، چنانچه تا کنون احدی از خارجه و داخله دوست و دشمن نسبت هیچ سوء قصد و نیتی نتوانسته بایشان بدهد، ما همین قدر می‌گوئیم که ناصر الملک قدسی بر نداشته و نخواهد داشت جز در راه استقلال ایران، ناصر الملک بلبتیک صحیح مستقیم منید بحال امروزه ایران اتخاذ تواند کرد و ما باید با کمال اطمینان در مقاصد ایشان همراهی نمایم تصدیق همدردی های جراید انگلستان را در حق ناصر الملک وقتی خواهیم نمود که به بینیم انگلیسان مانع از خوشنای ایشان در داخله و خارجه نگردیده‌اند، چه بزرگترین خوشنای ناصر الملک در دفع دخالت اجنبیان و اخراج قشون بیگانه بدون خسران و زیان است، هر گاه انگلیسان درین ماده با ناصر الملک همراهی نمودند همدردی آنان را بایشان و خیر خواهی شان را در حق ایران تصدیق توایم نمود، و رنه خواهیم گفت این تعریفات فقط برای تولید سوء ظن در ملت و تخریب ایشان است که امیدواریم بی‌سود و نتیجه ماند

قابل ملاحظه مسلمانان هند

در نمره ۱۲ اپیل ایرانیان به مسلمانان هند درج شده برای اطلاع و سرمشق آنان بی مناسبت نمی بینیم که همدردی مسلمانان عالم و اهالی لندن را با اینکه سابق هم نوشته ایم (ترجمه از جریده محترمه پنجابی بنام

(ترجمه از جریده شریفه پنجابی)

ما تعجب داشتیم از اینکه رفتار بی اعتدالانه روس که با دولت جدید ایران مرعی میدارد چرا

این بود که دولت انگلیس برای عقد اتحاد با دولت روس نمایندگی دولت خود را از ایران طلب نمود. در سنه ۱۸۲۹ بموجب عهدنامه (ترکمانچای) تمام قفقازیه قبضه اقتدار دولت روس درآمد. از اینرو بر حرص و طمع وی افزوده و در سنه ۱۸۲۹ جزیره (عاشورده) را نیز قبضه و ایستگاه دسته جہازات خود قرارداد. و دولت انگلیس کف حسرت را سود، بدو دولت روس جوابهای مذبذب میداد ولی هنگامیکه اقتدار خود را در آنجا مستحکم ساخت از استرداد آن صراحتاً ابا و امتناع نمود.

بنابر عاقبت قرار داد که دولت روس پیش از این قدم برندارد و این وعده را هنوز اهالی ایران فراموش نکرده بودند که (کارنودسک) را قبضه خویش در آورده و قلعه (میچلودسک) و (چکپر) را تصرف نمود. وقوع این واقعه در سنه ۱۸۹۶ و بعد از چار سال آن تمام ساحلی (کاسپین) بتبضه دولت روس درآمد اگرچه در سنه ۱۸۸۱ در (اترک) اغتشاش سرحدی فیصله شده بود ولی باز هم بر (سرخس) بدون تصور و توهم قبضه نمود. درین دوره هم که ایران از خواب غفلت بیدار و ترقی نوع را طالب شده و دولت انگلیس نیز با دولت روس معاهده نموده که آزادی و خودمختاری ایرانیان را ملحوظ خواهند داشت باز هم بدبختانه روسیان حرکات تاریخیه ادوار سالنه خود را تصدیق نموده است. دولت روس اکنون دارد در ایران با سرگرمی تمام کار میکند. چه وی همیشه با آزادی عمومی و با سلطنت قانونی مخالف بوده و اکنون در ایران سلطنت قانونی اجرا یافته که خیلی باغراض روس نقصان ده است. عجب اینست که از حریف دیگر دولت انگلیس دارد نماند میکند. حالت درد انگیز ایران را در سابق الذکر بموجب دلیل بیان کرد. دولت روس همواره برخلاف ترقی ملی ایران بوده و از مطالعه (بلوونوک) معلوم می شود که همواره مخالفت کارانه عمل نموده. تبریز را مسکر قشون خود و در قزوین و بعضی مقامات (آذربایجان) نیز لشکر فرستاده. در جولائی سنه ۱۹۰۹ بدین بهانه (۲۰۰۰) قشون فرستاده که حال و جان اروپائیان محفوظ نیست. و نانیاً راه رشت الی اصفهان باید مأمون باشد. و حال آنکه این دو مسئله اصلاً بی بنیاد

و فقط بهانه جوئی بود. چنانچه احدی از اهالی اروپا درخندت انقلاب ایران تلف نشده و یکی از تجار هم در این راه ما منسوب نگردیده. در مدتی که دولت جدید بروی کار آمده در رجعت قشون خود مکرر وعده کرده ولی تا کنون وفا به عهد خویش ننموده این وقت قشون او در تبریز، قزوین، رشت، اردبیل و در راه الی دریای کاسپین منتشر است و روسیان به رعایا برای بلوا اشتعال میدهند. رحیم خان و غیره برای نظیر موجود است که دولت روس هماره مخالف ترقیات ایران بوده. افراد ایرانیان هم از این امر مهموم اند. چه می بینند آزادی شان در معرض خطر است. بعد از آن دو تحریک ذیل امضا یافت

(۱) ما رعایای فرمانبردار اعلیحضرت شاهنشاه انگلستان دخالت روس را در تبریز - قزوین و سایر نقاط ایران با کمال خوف می نگریم و نیز حق تلفی ایران و خطر هندوستان را تصدیق میکنیم - و مواعید روس را در حرکت قشون خود معتبر و معتمد نمی دانیم و از اعلیحضرت پادشاه انگلستان خواهیم شدیم که بتوسی که در خور آزادی خواهی است اقدامات توری شود که قشون روس سریعاً از ایران خارج گردد و مطابق عهدنامه روس و انگلیس که در سنه ۱۹۰۷ امضا یافته آزادی و استقلال ایران بدون مداخلتهای بیگانه قائم ماند

(۲) ما با اهالی مظلوم ایران همدردی خودمان را ظاهر میداریم که روس بر مملکت شان دخالت بجای آورده و از این خلاف کاری روس کمال تأسف را داریم و دعا میکنیم که این حالت مخوف ایران حسب دلتخواه مبدل باطمینان شود. و از اهالی ایران خواهش میکنیم که استمداد از دولت انگلیس نمایند -

در این مجلس هریک از ناطقین شکایت از دولت کرده (سرادوردگری) را به مواعیدش متذکر که دولت انگلیس با دولت جدید ایران همراهی دارد و اینکه (لارڈ مارلی) در لندن ضمن نطق خود اظهار داشته که در ایران وضع پلتیک دولت روس فاصیانه نیست بلکه خواهان ترقی است بلمره غلط صرف است - و خوشبختانه اغلب از انگلیسیان در جرائد تردید نموده و می نمایند

دستخط تلگرافی مقام منبع ریاست
(روحانی اسلام به دارالشورای کبری)
(در خصوص اخراج قشون روس و تحریم)
(استعمال امته روسیه و یادداشت دولتمین)
(مورخه ۵ رمضان ۱۳۲۸)

مجلس محترم شورای ملی شیدالله تسالی ارکانه در این مدت ده ماه صکته از افتتاح مجلس محترم گذشته پیوسته ووسول بشارت خروج قشون روس و تخلیص از تمام شب مداخلات و تجاوزات ظالمانه را بحسن مراقبت بمعونان عمام ملت ایدم الله تعالی مترصد و بعد از ترك رسم عید مشرف بمحصول و بواسطه تماقب بجرانات وزرا و سایر عوالمی که اغلب بدشائس ظاهره و خفیه مشبه بود معوق ماند حالا با اینکه کابینه جدیده انجام این اهم تکالیف را بحسب مکاتب واصله سریعاً تهید نموده باز هم بد بختاه می بینیم باامروز و فردا میگردد. اساس قوم مشرودیت و استقلال وطن بلکه ارکان دیانتان در نزل و روح ملیتان در خطر و حقوق وطنیه و ملیه بلکه بشریه مان لکد کوب و تکلیف دینی اسلامی زیاده بر این بانتظار نشستن و دست روی دست گذاردن و اقتضاء ندارد. اگر حقوق بین الملل مرعی وقوانین آن منظور است سکوت تاکی. انتظار تا چند، و اگر مجرد الفاظی است بدون واقعیت و خالی از حقیقت البته عموم علماء و قامیه مسلمین هم از مقتضیات اسلامیت خود رفع بد نخواهند کرد و عجمتاً مجاهده اقتصادی ترك امته روسیه بالکلیه که اولین قدم دین داری و وطن خواهی است بمعون الله تعالی و حسن تأئیده باید سریعاً اقدام شود علی کل حال نتیجه را عاجلاً مترصد و جواب تلگراف سابق در خصوص جواب یاد داشت سفارتین را هم منتظریم انشاء الله تعالی محمد کاظم الخراسانی عبدالله مازندرانی

حبل المتین

این حکم بطی تلگرافی مدال است و اینکه مقام منبع ریاست روحانی اسلام هیچ دقیقه از دقائق سیاسیه را از مدنظر مبارک فروگذار نفرموده اند نهایت کابینه سابق چنانچه اشاره بدان شده بواسطه عدم اتحاد و عوائق چند در چند احکام باهرات آن موالی را بعهده تعطیل گذارده بودند اینک که بحمدالله کابینه فعال بروی کار آمده مجدد تجدید مطلع فرموده و جداً بجماده اقتصادی صکته ترك امته روس باشد حکم و صریحاً از کابینه وزراء اخراج قشون روس را خواسته اند، و اشاره که در تلگراف شده مبنی بر یاد داشتی است که دولتمین در خصوص اعطاء امتیازات بخارجیه بدولت ایران

پیش نموده اند که تا کنون معلوم نگردیده است که کابینه وزراء جواب داده یا بیانش نرم سفراء این این مسئله اهم که شدیدترین حملات معنوی به استقلال ایران است مسکوت عنه گذاشته اند. مسلم است که مقام منبع ریاست روحانی اسلام و وکلای مجلس مقدس و اتحاد ملت ازین حق مشروع خود که شالوده استقلال یک سلطنت بروی او گذارده شده چشم پوشی نتوانند نمود، عجب داریم از وکلای مجلس که هرار گونه سؤالات غیر مفید از وزراء نموده تا کنون درین موضوع خاص هیچگونه سؤالی نفرموده اند. بدبختانه می بینیم که دو ماه و انداز تشکیل کابینه جدید گذشته هنوز هم مثله اخراج قشون روس یک صورت اطمینان بختی حاصل نکرده رفته رفته میرود مقام منبع ریاست روحانی اسلام و اتحاد ملت را ازین کابینه نیز مابوس سازد، ابدأ جای تامل درین موضوع اهم برای ملت باقی نماند و بیانه صبر شان مملوشده هرگاه اندکی کابینه وزراء تعلل نمایند جز تواید مشکلات و تزیید نفرت ملت و رفع اطمینان وکلا از آنها سودی نخواهد بخشید، چه هر ساعت تعویق درین امر شود مزید بر قوت اجنبیان در داخله خواهد گردید و بسا هست اسبابی فراهم خواهند آورد که سر رشته و راه نجات کم شود

ما از مقام منبع ریاست روحانی اسلام با استدعای اسلام برستاه وطن خواهانه استرحام می نمائیم صکته زیاده بر این تامل فرموده ولو به بروز فعالیت باشد در اخراج قشون روس کاملاً وزراء را مسئول دانسته جداً از آنها نخواهند وه قول تنهای وزراء که یک و نیم سال است این مملکت اسلامی را لکد کوب قشون کذر ساخته قساعت فرمایند و خیر خواهانه از کابینه وزراء مسئلت می نمائیم که خیر ملک و ملت را بر بقای وزارت خود ترجیح داده هرگاه از عهده اخراج قشون روس بیرون نمی آیند قبل از آنیکه خود را بدنام و مذکور سازند پیش از آنیکه ملت را بر علیه خویش برانگیزند، صافاً صاف کشف حقیقت نموده از وزارت کناره جویند و ملت را بحفظ حقوق استقلالیه خویش آزاد کنند، با این وضعیکه دوات در این یک و نیم ساله اخیر اقدامات سیاسی (بقول خودشان) نموده اند کاری از پیش نتوانند برد، (چنانچه نبردند) و ملت را پیش از پیش دو چار مشکلات ساختند

حبل المتین که لسان و آئینه افکار ملت شناخته شده با یک دنیا تشکر از مقام منبع ریاست روحانی اسلام استرحام می نماید که پیش ازین باقوال تو خالی کابینه وزراء افتناع نشده این آخرین خدمت را هم که بحیثی اسلام شناخته می شود با فعالیت تامه انجام

فرموده و زبان وطن خودی و بیگانه را بر طامه مسلمانان به بندند و ما برای تنبه و کشف حقیقت از مقام منبع ریاست روحانی اسلام و کابینه وزراء و تنبه ملت لایحه ذیل را کافی تصور می‌نمایم

آینده غیرت

ای زاده ایران دیگر خود را ایرانی مشاور چه نام ایران و ایرانی از روی زمین برداشته می‌شود حاکم پاك ایران را وطن خود بدان زیرا در بیرون شدن از دست تو است - ای مادران و زنان ایرانی دیگر فرزند مپارید چه آن فرزندان ایرانی نخواهند شد! ای نوباوگان ایران که امید آینده وطن مقدس شماید از زندگی و آینده خود نومید و مایوس شوید زیرا نام ایران را می‌خواهند از صفحه تاریخ عالم بردارند و وطن شما ایران را از دست شما بگیرند - ای دوشیزگان برده نشین ایران خود را بعروسی آماده سازید چه آن خانه های عروسی شما مبدل بمانکنده خواهد گشت - ای ارواح پاك که در جهان هستی برای ورود آمدن بکابله اسان آورده هستید دیگر بکابله زاینده گن ایران فرو می‌آید زیرا خود را بی نام و بی وطن خواهید دید -

ای نویسندگان و ارباب قلم دیگر دست از نه نشین مقاله های دور و دراز بردارید برای شما حزر سایدن صدای وا اسلاما و وا و صنا بکوش مسلمانان و ایرانیان کار دیگر مانده است - ای آزادی خواهان و داد پرستان ایران همه آرزوها که دارید از دل بدر کنید چه محبتی در حقه آزادی را که آزادی وحدان است از دست شما می‌گیرند - می‌خواهند که شما مهر ایران وض خرد را از دل بدر کنید و نام ایران را بر زبان نیارید - می‌خواهند که وحدان خود را فروشید و ایران را تا اند فراموش کنید!

ای ایرانی حاکم بر سر کن که وطن تو ایران از دست می‌رود!

ای بزرگان دین مبین اسلام دیگر ایران را مهد اسلام نمیتوانید به تنهید چه ایران را می‌خواهند کفار در زیر پای خود یا مال یسارید!

ای پیرو آئین اسلام دیگر فکر اسلام پرستی را در ایران از سر بدر کن چه خود را در کشور اسلام نخواهی دید! اگر دریغ حال بنامی هر چه را که شایسته مسلمانان است نبود خواهند کرد - بجای مسجد کلیسا خواهی دید و بجای نوای روح افزای الله اکبر صدای ماقوس خواهی شنید! ای ایرانی اگر غیرت داری بمیر تا این روز سپاه را در پیش چشم و وطن خود را مرده و از دست رفته نه بینی - ای دریغ ایران از دست می‌رود! وا اصنا

یایه مسلمانان و حقه دار می‌گردد! ..
(هزار افسوس کاکم بشکنند محراب و مسجد را)
(زیر پای ترسا زادگان یا مال می‌بینیم)
آیا مبدانی که چرا و چگونه می‌خواهند وطن تو ایران را از دست تو بگیرند؟ آیا میدان بچه سبب مسجد ها کلیسا و صدای الله اکبر مبدل بناقوس می‌گردد؟ زیرا ملتیرا که ذره حس وطن و غیرت اسلامیت در وجودش نمی بینند سزاوار این رفتار میدانند - آری ملتیکه جز تن پروری و خوش گذرانی چیز دیگر نیندیشد انجام کار گرفتار ایصال ناگوار خواهد بود - ملتیکه بزرگانش جز خود پرستی و کینه پروری چیز دیگر میدانند ماقبت دو جز اینگونه اسیری و بندگی خواهد شد مانتکه پیشوایان دین و مذهب آن دشمنان و ترسایان را در استبدادی کشور اسلام و در کوشش بزوال احکام دین مبین دیده و خاموش مریشینند نهایت الاسر دو جار محو و نابودی خواهد شد - ملتیکه رؤسا و اداره کنندگان آن به کوچکترین خدمت دولت کمتر تن در دهند و خود را با آن خدمت برتر و باشرف بدارند سزاوار محو شدن است ملتیکه مالداران و نوکران که اندوخته هایشان از آب و خاک وطن است در پیشبندی راه خراب و دفع دشمنان از دادن مال و دارائی خود دریغ نمایند شایسته هرگونه نفرین است

چطور محو و نابود می‌گردد ملتیکه یکان یکان آن تیشه بر ریشه آن می‌زنند! چگونه بایدار میتواند بنامد ملتیکه نمایندگان و وکلای آن که ناموس و نگهداری کشور بدست آنها سپرده شده راه کج می‌روند شکمپری و خود پرستی می نمایند، آتش ابروخته را در خانه وطن دیده و مپنشانند - چطور خراب می‌گردد کشوری که سالهان دراز گهوراه شیران بیشه دابری و غیرت بوده و مانند دارا ها و کعبه سرو ها و نادرها را در آغوش خود پرورده و در سایه جوانمردی و غیرت ایشان بایدار ماند امروز خود را گرفتار بجهت خرس دیده و کسی از پرورده گان خود را در نگهداری و دلسوزی نه بیند!

چگونه می‌برد این مادر داخون وطن که شیر خورده گان و فرزندان خود بدست خویش مردم برسینه زخمدارش هزاران تیر جفا می‌زنند و بدست خود مادر خویش را به چنگال بیگانگان میدهند؟ چرا خون نکرید قرزندی که مادر خود را درین حال پریشانی و جان کندن و هموطنان و برادران خود را درین شادی و خوش گذرانی ببینند؟ چگونه خراب و نابود نگردد وطنیکه پرورده گان آن کرورها

بجای زشت و بی بهره خرج می کنند و برای نگهداری وطن خود از دستبرد دشمنان دیناری نمی دهند، چگونه بدست دشمن نمی افتد وطنی که سی کرور ایرانی افراد آن بوده و خود را مسلمان میدانند، اما برای ده کرور توان که نگهداری بنای مسلمان و عرض و ناموس شان خواهد کرد دست احتیاج بدشمنان دین و باطل کنندگان وطن خود دراز میسازند؛ چگونه بایدار میاند ملتی که در میان آن چند مزد غیرت سرشت پیدا نمیشود که در راه وطن از جان و دارائی خود بکشد؟ -

ای وطن همه فدایت
گره بنیم جز بخواب لقای
نام تو همیشه بماند
در فاه ما محکامات

آیا سبب این همه خرابیها چیست و در پیش آیندگان و نزد خدا و پیغمبر ازین صدمات که بر اساس اسلام وارد میشود کی مسئول و معصوب خواهد بود، البته کسانی مسئولند که بگان بگان ملت پیرو فرمان و اوامر ایشان است - کسانی در نزد پیغمبر مورد عتاب خواهند بود، ملت ایران حاضر و آماده بیک اشاره ایشان است - آری اگر ایران از دست برود مسئول آن بزرگان دین و پیشوایان ملت و رؤسای ایران هستند، چه ملت ایران تا امروز در حفظ وطن و نگهداری اساس مسلمانان از ریختن خون خود و هرگونه فداکاری دریغ نکرده و فرو نه نشسته است، امروز هم که بی حس و بی جنبش دیده میشود تقصیر در ملت نیست در اداره کنندگان و پیشوایان و بزرگان ملت است، ملت بخودی خود دور بینی و چاره جوئی نمیتواند بکند باید بزرگان و پیشوایان و اداره کنندگان دور بینی نمایند و انجام این همه سستی و تجاوز دشمنان را پیش نظر آورده آخرین چاره را که عقل و وجدان و مسلمانان حکم میکنند از امروز بجا بیاورند - بخدا این سستی و ترس بجا کار را بجائی خواهد کشید که دیگر راه چاره را هم بسته خواهید یافت و نام ایران و ایرانی را گم خواهید کرد کسیکه دارای علم و خرد است بخوبی میتواند از حال امروزی بی بحال فردائی برده - و او را کشف بکند و آینده را پیش از وقت در پیش چشم خود مجسم بسازد -

ای بزرگان و اداره کنندگان ایران! اگر احوال ملل بویژه حال ملت ایران را بنظر بیارید می فهمید که ملت را زنده نمیدارد و دلیر و توانا نمی سازد مگر آن حسنیاتی که از سالهای سال در دهای افراد آن موجود است، مانند حسن شخصیت و حسن

ملیت و حسن حیثیت و حسن تعصب مذهبی - ملت زنده ملتی است که بسیاری ازین حسنیات را دارا بوده و هیچ يك از آن حسن ها در دل آن نمرده باشد، بدبخت ملتی است که ازین حسنیات ندارد و یا اینکه این حسنیات را دارد و بدست خود می میراند - ملت ایران ازین حسنیات زندگی بخش بهره ور است، اما آن حسنیات را بدون رهبر و حولانگاه آشکار نمیتواند بکند - ملت ایران این حسنیات خود را درین شورش سه ساله بخوبی آشکار کرد و نمیتوان گفت که ایرانی از حسن ملیت و تعصب اسلامی دور و محروم است، بلکه تنها پیشرو و رهبر میبخواهد - اما بدیهی است که ازین همه ترس بجا و ذات خواهی و فروتنی در پیش دشمنان همه ارباب حسنیات مرده و نابود میشوند چنانچه غیظ و نفرتی که ایرانیان در ابتدای ورود روسان به ایران از ایشان در دل داشتند از غیظ و نفرت امروزی زیاد تر بود -

حرکات امروزی روسان که دشمنان دین ما و باطل کنندگان ناموس و نام و وطن ما هستند آشکار میسازد که روسها از زوال حسن ملیت و وطنی ایرانیان خاترجع کرده اند و تنها از وجود تعصب مذهبی و دینی ایرانیان شبه دارند و میبخواهند که آنرا هم تجربه بکنند، این است که پس ازین همه تجاوزهای دین شکنانه و ناموس بر باد ده به دخول محرم برای علمای اسلام جسارت مینمایند و دست تعرض بناموس بزرگان دین دراز میکنند تا بفهمند در ایرانی بی حس بدبخت از حسن مذهبی و تعصب دینی هم چیزی مانده است یا نه؛ تا به بینند در ایرانی ذره غیرت مسلمانان مانده است یا نه؛ تا این درجه جسارت می ورزند که بدانند در ایرانی حسن زنده باقی است یا همه مرده اند!

اگر درین موقع نیز خاموش بنشینند و جنبش ننمایند و بوظیفه اسلامی خود عمل نفرمایند دیگر از اسلام جز نام در ایران نخواهد ماند و مسلمانان آن اسپرکنر و دشمنان دین خواهند گشت. و البته مشغله این فلاکت در پیش خدا و صاحب شریعت شما پیشوایان و بزرگان و اداره کنندگان ملت خواهید بود -

ای بزرگان و پیشوایان! باید بدانید که (تجربه شده را دوباره تجربه کردن بیهیمنی می بخشد) اگر هیچ باشد درین بحال گذشته باید فهمیده باشید که فکر و خیال دولت روس و انگلیس در حق ایران چیست، و باز باید ثابت شده باشد که حسن ملی و مذهبی ایرانیان بشرط تحریک و تشویق تا چه پایه بر قوت و تواناست، درین صورت چگونه موافق غیرت اسلامی و وجدان و ناموس شخصی

اما نمی فهم و در حیرت که امروز در پیش این تبدیلات و ناموس شکنیها و زیادههای روسان چرا خاک ایران مبدل به خوش آباد شده و ایرانیان هم بی حس و مرده گشته اند - از هیچ جا جنبشی دیده نمیشود و از هیچ کس صدای وا اسلاما و وا وطنان شنیده نمیکردد. ووکلاهی ملی همه قفل بر دهن زده خاموش نشسته اند. علمای اعلام هنوز بی بوخامت کار و اضحلال اسلام نبرده و وظیفه اسلامی را کار نمی بینند - رؤسا و بزرگان حکومت در پی خود پرستی و کینه روی وستی و تنبلی هستند کسی بحال اسلام نمی گیرد و رای ایران هیچ دلی نمی سوزد -

(انجام فروتنی و پستی ماودی است)

در عالم سیاست هر دولت که خود را ضعیف نشان داد و بر تجاوزات دشمنان مقابله نمود - هیچ شرف و حیثیت برایش نمی ماند و اندا صاحب اهمیت و نفوذ نمیکردد سهل است که سر کوفته هر دولت قوی تر از خود میشود و طاقت استقلال و شرف قومی خود را از دست میدهد -

فروتنی و مسامحه امر روزی ایران را در برابر روسها هیچ عقل و وجدان نصیب نمیکند و بهیچ وجه شایسته عفو نمی بیند - اگر بدین قرار رفتار شود اندکی نخواهد گذشت که رشته امور از هم گسیخته و دشمنان مسلط بر اعراض و دماء مسلمانان خواهند بود - درین صورت زندگی با این بشری و مذلت بدتر از مرگ است - احقر میگوید قدرت مقاومت با روس نداریم سهو نزرکی است - زیرا با خاموش نشستن ما دولت روس از خیالات خود نخواهد گذشت و هیچوقت مرحمت و شفقت بر ما نخواهد کرد بالعکس در مقابل سستی و بیحسی ما روز بروز بر تجاوزات خود خواهد افزود و زنجیر کفر را دردن پیروان دین مبین احمدی خواهد گذاشت. ولی اگر احوال داخلی روسیه که در جنبش و هیجان بوده و هر روز احتمال شورشهای شدید میرود تصور شود و تزیاید حسیات و قوای معنوی ملت ایران در مدافعه اسلام در نظر گرفته و وقایع این چند سال پیش چشم آورده شود معلوم میگردد که اگر دولت و ملت ایران با یگانگی و اتفاق تمام دست بهم داده بقوت اسلامیت استفاده نموده در پیرون کردن دشمن از ایران بکوشند بنیاداً موفق خواهند شد و آنوقت ملل اروپا نیز این حرکت ایرانیان را در مدافعه ایران تحسین کرده و افکار عمومی اروپا معاونت و همراهی ما خواهد کرد - ملتیکه در ره‌یابیدن خود از دست استبداد محمدعلی دست پرورده و هم مذهب خویش انقدرها

میشود که این همه اوضاع جگر سوز را دیده و ملت را اسیر و بی تکلیف بگذارید - انسان باید آفر و کر بوده باشد که صدای زهره شکاف این سیلهای خروشان اسلام کن را که از طرف شمال و جنوب بروی ایران برت میشوند نشنود و این ستمها و ناموس شکنیهای ترسا زادهگان را در کشور اسلام نه بیند - تا کی بدین ذاتها و اسارتها رضا خواهد داد و تا کی خواهد گذاشت که حس اسلامی ایرانیان بمیرد و خون غیرت در وجود هایشان بخشکد: مگر نمی شنوید که روسها روز بروز بیشتر میروند و هر شهر سالدات و قزاق می فرستند - یکی را به میان و سرکشی می انگیزند دیگری را مجبور به استعنا می سازند - و حکومت هم بی بوخامت اینگونه مداخلات و تبدلات نبرده و تصور میکند که تبدیل یک مامور عیور با کیفیت بعضی مداخله ناحق روس چه قدر بر حیثیت و شرف دولت بر می خورد و مامور جدید را سرعوب و زیر دست روسان می سازد. بر ناموس و عرض زنان اسلامی تجاوز می نمایند - پولیس و ژاندارمهای ایران را حبس میکنند. شب و روز با قوت بول و منات عوام ساده و برخی از مشرفان و وطن فروشان بی تنگ و عار را بطرف خود جلب مینمایند - همه کارهای مملکت مداخله می کنند و هر ظلم و ستمی که از دست شان می آید بر ایرانیان وارد میسازند - حکومت طهران و وکلای ملی در پیش این تبدیلات دست بسته و مهر بر دهن زده بی خود پرستی و شهرت طلبی و کینه پروری میروند و ازینرو شرکت بدین خیانتهای وطن فروشانه می کنند -

پیش از دخول سالداهای روس به ایران از هر گوشه آن فریاد وا اسلاما و انحریتا و وا وطناه بفلک میرسید و یک جوش و خروش در تمام ملت دیده میشد که در حقیقت روسها را به اندیشه و مراسم انداخته بود و بیچاره آذربایجان که در مدت سه ماه دو جور آفت در تلاکت و سفات و بدبختی شده بودند باز استبداد محمدعلی را بر تجاوز روس بخاک ایران ترجیح داده بحاجان دادن درگرسنگی و بمردن در زیر زنجیر عداری محمدعلی راضی شدند که بیگانه و دشمن دین خود را راه بدهند و عرض و ناموس خود را بدست ناسان افتاده نه بینند. از داخل و خارج افراد ملت بهزاران راه و وسیله بروتست کرده و روسان را تهدید مینمودند و علمای اعلام و حجج اسلام آماده حرکت بطرف ایران میشدند. چه تجاوز دشمنان دین را به کشور اسلام بر غیرت اسلامی خود هموار نمیکردند و این خبرهای جنبش خیلی سودمند و کارساز افتاده بود.

کوشید و جانبازی و خوفناکی نکرد در مایه‌ی
 وطن و اسلام و مرض و ناموس خود از جنگال
 روسان وحشی و دشمنان دین خود چرا غیرت و
 حمت بخرج نمیدهد؟ تاریخ پنج ساله را پیش چشم
 بیاورید خواهید دید که اغلب این بدبختها نه از عدم
 قداکاری ملت بلکه از ترس بیجا و چاپلوسی و
 رعایت نزاکت بین‌المللی بسر ایرانیان برآمده است.
 وحی اگر حرکت مجاهدین غیور و اردوی بختیاری
 بفتح طهران چندیم تاخیر می نمود کار از دست
 میرفت ولی همینکه توکل بنسایت باری و امید به حسن
 وطنخواهی و محبت کرده پیش رفتند در مجامده
 خود ظراب شدند و اگر باز ترس و هراس بر
 خود راه داده و دشمن را در مملکت خود فعال
 ما پشاه بسازیم و خود پاشا کنیم و حسن درونی و
 هیجان مل را خاموش بسازیم بیکبارگی اسیر و ذلیل
 خواهیم شد. و اگر بحکم عقل و وجدان بوظیفه
 خود عمل کرده یعنی بکمال فداری بدفع دشمن از
 وطن خود کوشیده و در آمیانه هم بالقرض مغلوب
 شویم بهتر ازین است که با انحال زنده بمانیم چه
 این زندگی بدتر از مرگ است ..

(قدرت جو نیست مردن از زندگی است بهتر)
 (صد بار مر بریده بهتر است که بر بریده)
 اگر فدای راه مجاهدت و حفظ اسلام و وطن
 بشویم باز عین سعادت است - افلا لک فی شکی
 و بی شرفی را از روی خویش برداشته میشویم و
 به آیدگان خود بلکه بجهان مردمی می فهمیم که
 آنچه از دست مان می آمد در حفظ بیضه اسلام و
 در نگهداری وطن از ریختن خون خود دریغ
 نکردیم - آنوقت سزاوارترین و لعنت اخلاف
 نمی شویم و از دیدن محو و بربادی مملکت خود
 بچشم خویش و از کشیدن زنجیر اسارت و ذلت
 خلاص میشویم -

ای حامیان اسلام وای نگهبانان ایران و فدائیان
 وطن مقدس ، بذات ذوالجلال قسم که صبر و تحمل
 و کسالت و ترس شما ایران را برباد خواهد داد -
 دریندت بجهاله نجر بیاتیکه برای شما حاصل شد و
 وقایعیکه برای العین دیدید مگر نیت و خیالات روس
 و انگلیس را بشما ثابت نمیکند مگر بازم دوفکر ایران
 خراب کن ایشان شبهه دارید - آیا باز فریقه کلمات
 خوشترک سیاسی و دیپلوماسی خواهید شد؟ آیا
 پس اینهمه تجاوزات و تعدیات مامورین و سالداتهای
 روس که هر روز در پیش چشم تان نمایان است باز
 روس را دولت دوست و محب خواهید خواند؟
 آیا محرکانیکه برای تقویت و پایداری استبداد و غداری

و منع انتشار فکر آزادی و برابری در ایران بجا
 آوردند از یادتان رفت؟

از روز اعلان مشروطه و آزادی در ایران
 چه موانع که پیش نیاوردند وجه حیلها و فتنه ها
 که این دشمنان مردمی و آزادی در وطن مان بر
 نیانگیختند - اولین تبرک و تهنیتی که دولت روس
 به آزادی ایران کرد پیش آوردن مسئله (پله سوار)
 بود که در سربك اسب که از طرف روسیه بطرف
 ایران گریخته بود دهات چند را سوزانده اموال
 زیاد بظارت برده و بسیاری از دهائیان صاف دل
 مصوم را کشتند - آمدن اتابک امین السلطان بطهران
 و آن همه خونریزیها که در زمان دومامه وزارت وی
 رویداد و فرستادن پسر رحیمخان وغیره به تبریز
 برای کشتن احرار ملت و همچنین ترضیه دادن
 فرمانفرما وزیر عدلیه در باب کار ملکالتجار بی شرف
 و مطنفروش همه برای غصب مشروطه و آزادی از
 ایران و همه برانگیخته و ریخته روسان بود!

هنوز از کتکهای پارلمان عکس صدای توبهای
 لیاخوف شنیده میشود ، و هنوز وحشی گریهای
 قزاقان روس در طهران و سایر جاها برای
 گرفتن آزادی خواهان از پیش چشم دورنگشته است ،
 تجاوزات و وحشیگریها که مامورین روس در
 اختلال یکساله تبریز کردند بخوبی اثبات کیفیت میکند
 مگر از یادتان رفته است روزیکه قونسول روس
 در تبریز ششول دست گرفته به صدای بلند میگفت
 که کدام مسلمان است که به تبعه من ضرر برساند ،
 محو باد مسلمان نیست باد ایران را بورتهایکه در آن
 روز از طرف مامورین مخصوص بسایر قونسولگریها
 داده شده این مسئله را اثبات میکند - در کدام
 عصر وحشیگری دیده شده است که در زمان اختلال
 يك ملت که افراد آن برای بازگرفتن برات آزادی
 خود جان بکف نهاده خود را هدف توبهای
 استبداد می سازند قونسول یکدولت اجنبی روز روشن
 مهات جنکی و توپ و تفنگ بار کرده و بطرف
 استبدادیان ببرد!

کدام قانون و کدام مدنیت و انسانیت اجازه
 میدهد که يك دولت به بیاه رسانیدن آذوقه به تبعه
 خود که در مدت اختلال يك قطره خون هم از
 دماغ شان جاری نشده قوه عسکریه به يك مملکت
 وارد کند سهل است که بدون سبب آنها را چنین
 ماه در آنجا نگاه بدارد و مداخله بکارهای داخلی
 آن مملکت نماید ، دولتیکه مانند رحیمخان غارتگر و
 راهزنی را که هزاران خانه هارا ویران و خانها را
 را خراب کرده و آتش زده است حایه و صحبت
 بکند چگونه دوست و محب ایران شناخته میشود -

همه عکس کنید و شغید که داراب میرزا را برای انداختن شورش و عصیان بر انگیزخت و آن یکی هم طغیان نموده و بیاری افسران روس بسیاری از مردم را کشت ! بسی جای تأسف است که با اینکه این داراب میرزا از سلسله قاجار بوده و به تصدیق خود روس‌ها چند ماه پیش از تابعیت روس خارج شده باز حکومت ایران در گرفتاری و مجازات وی تردد و مسامحه نمود و حتی استبدان از سنارت کرد و حال آنکه دولت روس بدین شخص مجرم ابدأ نمیتوانست حمایت نمود زیرا اگر در تابعیت ایران شناخته شود دولت ایران در تادیب و تخریم تبعه خود بخصوص که مرتکب چنین جنایت بزرگی بوده است کمال استقلال و اختیار را دارد و اگر تابع دولت روس شمرده شود بطریق اولی مجازاتش لازم است چه تابع هیچ دولت حق ارتکاب چنین جنایتی را در محکمت دیگر ندارد و هیچ قانون صلاحیت مجازات اینگونه مجرم را از صاحب مملکت سلب نمیکند، درین جا هم روس بیجا و وایمه بی حد سبب جسارت و مداخله روسها گردید و زعم سیاسیون طهران گویا رعایت نزاکت بین‌المللی کرده شده :

آیا بدو تکیه بقوت خود استناد کرده و همه گونه زورگوئی و ناحق و وحشیگری را از دست میدهد نزاکت بین‌المللی چه تأثیر خواهد داشت؟ این همه حرکات لازمه بولتیک و مقاصد معلومه روس است که مردم بشکی درمی آید و برای زیاد کردن نفوذ خود و تابع کردن قوای دولت به او امر خود و عاجز ساختن حکومت از تمام راهها و شهرها و بهانه جوئی برای گذاشتن سالداتهای خود در ایران از ارتکاب هزاران جنایه خودداری نمیکند - امروز میگوید قزاقان من کم شده است باید پیدا کرده بدهید. فردا میگوید که راهران جایار مرا زده اند باید بن قدر تضییعات بگیرم در صورتیکه راهران خود مزدور روسها بوده و ماشاره او اینکار را کرده اند و قبح است که پس فردا هرنک دیگری خواهد زد

تا دولت روس در برابر خود مدافعه و زور نماند از اجرای اینگونه دسایس و فتنه ها فرو نخواهد نشست - هر روز از راهی خواهد آمد و مردم سهانه بدست خواهد آورد و هر دقیقه شجده دیگری بازی خواهد کرد ! آیا با وجود این تفصیل باز خواهیم گفت که روس دشمن مسلمان و ایرانی نیست؟ اگر این نکات را نفهمیده و بدین افکار روس آگاه نیستیم در منتهای درجه نادانی و ناخوشی هستیم، چه بیچگان ده ساله اروپا

هم ازین رموز و امور آنگاهند و بجای ما بحال ایران می‌گیرند، و اگر این مطالب را می‌فهمیم و میدانیم بسی بی‌غیوتی و بی‌شرفی است که دانسته ساکت و خاموش نشسته ایم - و بلکه از حرکات پنهانی و نقشه کشیها و شهرنوردیهای روسان هم غافلیم، نوی شهرها کارهایی می‌کنند که گویا هر شهرهای خود میباشند، کیست که بداند شهبانوی اراکه ها که با سفارت و قونسولگریهای روس می‌آیند و میروند؟ آیا میدانید که نوی صندوقهاییکه بنام قونسولگریها می‌آید چه مواد گذاشته شده است؟ راست است که در حقوق بین‌الملل گذاشتن و معاینه کردن صندوقهای مامورین سیاسی مخالف اصول و نزاکت است، اما در صورتیکه این مامورین سیاسی مخالف اصول و نزاکت تفنگ و فشنگ بیارند ابدأ امتیاز و حق بر ایشان نمی‌ماند، و بلکه مطالبه عزل و مجازات اینگونه مامورین حق صریح دولت است، آیا کسی خبر دارد که این همه اونومو بیدها که هر ساعت میان جلفا و باغ شال تبریز در آمدوشد است برای چیست و چه چیز حمل و نقل میکنند؟ آیا این همه مواد ناربه که داخل مملکت ایران میکنند برای چیست و حکومت ایران چرا بشبندی میکنند و ضبط نمی‌نماید :

هر بهاء است همه شهرها تا همدان و قصر شیرین که منطقه نفوذ روس در تقسیم ایران در آنجا منتهی میشود قزاقها و با تبدیل لباس مامورین مخفی می‌فرستند که در آنجا ها به نشر نفوذ روس و شناختن راهها و فریب دادن مردمان ساده و بول پرست بکوشند - آیا اسم این حرکات استیلا نیست ؟ این چیست ؟ هر روز در روزنامه ها میخوانیم که ضابطان روس نقشه فلان قلعه و فلان کوه و دره را بر میدارند و مامورین حکومت دست رویم گذاشته بکال بشرقی ماشا میکنند - آیا اینها همه برای استیلا یک مملکت کافی نیست ؟ و آیا این کارها باز برده شبهه در روی نیات روس می‌گذارد ؟

پس وجود این روسان در ایران از زهر کشنده تر است و جز مقدمه استیلا چیز دیگر را نمی‌فهمد در بحال گذاشتن روسان در ایران مار در جیب پروردن است - کدام عقل باور میتواند بکند که روسان ازین فکرهای خود خواهند گذشت و یا در سایه سستی و بی‌حسی ما ایرانیان مجبور بترك بولتیک خود خواهند گشت - چنانچه بسیاری از بزرگان و دانشوران ایران گفته اند تا هم تکرار می‌کنند که ..

(در عالم سیاست، مرحمت و مروت نیست.)

هر قلموس بولتیک کله وجدان و انسانیت پیدا نمیشود و در دبستان دیپلماتی از حق و حقیقت درس نمیدهند!

دیپلمات یعنی عبار هزار زبان ویا دلال حیل و فساد - هر قدر این دیپلماتهای روس و انگلیس و عدها بدهند و هر قدر شیرین زبانی و خوش مشربی ظاهر سازند ابداً تأثیری به اساس بولتیکشان ندارد و هیچوقت مسلک خود را ترک کرده نمیشوند - چنانچه در مکتوب رسمی که قونسول روس و انگلیس در ورود سالداتها به تبریز به انجمن ایالتی داده اند تصریح شده است که ورود سالداتها محض برای کشادگی راه مجتهد حمل آذوقه است و بزودی خواهند برگشت، و سفیر روس هم چند دفعه رسماً گفته است که سالداتها عنقریب خواهند رفت، این دیپلماتها هر وقت که درما ابرایان ذره جنبش و هیجان دیدند فوراً با اینگونه حرفهای مفت و درما آتش هیجان و جنبش ما را خاموش میسازند و کول مان میزنند!

ما ایرانیان هم انقدر بدبخت و بی عقل و بی ادراک و زود باور هستیم که تا امروز حرفهای خوش صدای این دیپلماتها گوش داده و بوعده هایشان امیدوار گشته انجام کار خود را فریفته و کول خورده یاقه ایم و از نادانی و بی حسی بازم گوش محرف و وعده های ایشان می دهیم.

باید دانست که : این مسلک بولتیک روس یكروزی نیست که در یكروز تغییر بیابد ویا بدون فشار ترك شود ویا دولت روس بنام انسانیت از آن درگذرد. امروز چندین نشان و برهان بوجود این بولتیک و نیت روس ذکر کردیم پیشتر از آراهم تاریخ نیت کرده و با اثبات میکند که روس از سالبان دراز پیرو این فکر بوده و هیچوقت این خیال ایران بر باد دهه و از سر بدر نکرده است - و تا امروز هر وسیله برای آماده کردن اسباب اجراییه آن فکر کوشیده است -

اینک برای اثبات مدعا و تشریح اساس بولتیک روس وصیت نامه مشهور سیاسی پتر کبیر امپراطور روس را تقریباً صد و نود سال پیش نوشته و تا امروز اساس بولتیک روس بر روی آن گذاشته شده است می نگاریم. اگر این متانت فکر و وسعت خیال را بطر کبیر درین وصیتنامه بکار برده است تصور بکنیم و پیروی روس را از آن وصیتنامه در بولتیک خود پیش نظر بیاوریم در حقیقت برای ما يك آینه عبرت و يك تازیانه غیرت خواهد بود. پتر کبیر در وصیتنامه خود میگوید: ..

(وصیت نامه پتر کبیر)

اول - سپاهیان روس را همیشه نبرد آزما و آماده جنگ و رزم باید نگاهداشت و برای این باید ملت روس را همواره با جنگ مشغول کرد و جز برای اصلاح امور مماله مملکت و تنظیم و ترتیب اردوهای جدید و انتظار فرصت برای هجوم راحت و آرام نباید گذاشت -

دویم - برای اینکه اخلاق پسنیده ملت روس خراب نگردد و از فضایل و مزایات ملل دیگر نیز بهره ور شود ضابطان اردو را که در زمان جنگ بکار خواهند آمد و همچنین ارباب علم و معرفت را که در زمان صلح و آسایش لازم است باید از ملل ترقی کرده اروپا جلب و انتخاب نموده درین باب از هرگونه مداخله کاری دریغ نباید کرد سیم - در هر فرصتی که بدست می افتد از مداخله نکارها و منازعات دول اروپا بخصوص دولت آلمان که بجهت نزدیکی بدولت روس بیشتر از دیگران اهمیت دارد خود داری نباید کرد.

چهارم - مملکت لهستان را بدستیاری مفسدان و فتنه انگیزان همیشه در شورش و اختلال باید انداخت و صاحبان مال و مکننت را در سایه رشوت و پول بطرف خود جلب نمود و برای دست داشتن و مداخله کردن در انتخاب پادشاه باجراعی نفوذ در مجالس ملیه سی و کوشش باید کرد و کلاسیه مجلس را هم بقوت زر طرفدار و محبوب خود باید نمود و بدین وسیله به تخت پادشاهی کسانی را باید نشاند که طرفدار و دست پرورده روس هستند و آنها را حتی الامکان حمایت و سخاوت باید نمود و بعد سالداتهای روس را بقطعه مزبوره ادخال و برای گذشتن آنها همیشه کی در آنجا هیچ فرصت و بهانه را از دست نباید داد و تا دست آمدن فرصت سالداتها را در آنجا سرگرم و مشغول باید کرد و اگر دول معظمه مشکلات پیش بیاورند این مشکلات را به تقسیم آن مملکت ما بین آن دولت موقتاً از پیش باید برانداخت و پس از آن دوباره بضبط و استرداد آن قطعات تقسیم شده برداخته و منتظر وقت و فرصت شد

پنجم - از مملکت سوئد هر قدر ممکن است ضبط باید کرد و برای اینکه همه آن مملکت را در زیر اطاعت و بندگی آورد هر شکل است اسباب هجوم و تجاوز او را بروی دولت دانمارک فراهم باید کرد و بعد بهمین بهانه سوئد را از دانمارک جدا کرده والی الابد مابین آنها تخم دشمنی و نفاق باید انداخت، ششم - باید عقد رابطه با آلمان کرده و در آنجا به تزیید خود کوشید و برای مجبور کردن

گرفتن در آینده چند بارچه از ممالک فتح شده را
 را به او داد و بدین قرار اضراض حدودانه اطریش
 زایل کرد

دوازدهم - هر قدر پیروان مذهب اورتودوکس
 در ممالک مجارستان و عثمانی و لهستان جنوبی برآکنده
 و متوطن هستند همه را یکجا جمع کرده و خود را
 مرجع و نگهبان آنها قرار داده و به تاسیس یک
 ریاست روحانی خود را فرمانده اعظم عالم باید ساخت
 آنوقت این اورتودوکسها در کشور هر کدام
 دولت دشمن باشند آن دولت مجبور به دوستی و
 خیر خواهی ما خواهد گشت

سیزدهم - بدین قرار همیشه ممالک سوئد تقسیم
 و ایران منقرض و لهستان مغلوب و ترکستان مسخر
 شده و اردو های ما متفق و دریای سیاه و بالتیک
 هم زیر غلبه جبهات جنگی مان آمد آنوقت برای
 تقسیم سلطنت روی زمین اول باید بهر یک از دولت
 فرانسه و اطریش بطرز و زبان دیگر نیت و خیال
 خود را فهاید و همیشه یکی ازین دو حکومت
 بنوازش و تحریک رک حرص و طمع تکلیف طرا
 پذیرت او را برای محو کردن دولت دیگر آلت
 باید نمود و بدست او دیگری را مغلوب باید کرد
 و پس از آن که تنها یکدوات ماند با قوت تمام به
 محو او باید کوشید که در آن صورت دولت روس
 مالک ممالک شرقی و یک قطعه بزرگ اروپا شده و
 هیچ شبهه نمیاند که خورشید فتح و ظفر از مشرق
 آن طلوع خواهد کرد

چهاردهم - اگر فرض محال آن دو حکومت
 بتکلیف روسیه را رد کردند باید بمیان آنها نفاق
 و دشمنی افکند تا همدیگر را ضعیف بسازند و
 خون یکدیگر را بخورند آنوقت بمحض رسیدن
 فرصت سپاهیان روس که پیش از وقت جمع و ترتیب
 شده بممالک آلمان هجوم باید آورد و دو جهاز
 جنگی بر از اردوهای آسیا یکی از دریای آزوف
 و دیگری از بندر ارکانزل حرکت کرده و بردمانی
 جارات دریای سیاه و بالتیک اردوهای آسیا به
 ممالک دشمنان فرستاده شود و اینها از طرف دریای
 سزید و بحر محیط بدولت فرانسه و از طرف دیگر
 به دولت آلمان هجوم آور شده بدین قرار قوای
 متراکه هر دو مملکت بریشان و تار و مار باید بشود
 آنوقت حکومتهای دیگر اروپا بدون رنج و آزار
 فرمان بردار و اسیر قبضه تسخیر ما خواهند گشت
 بدینحوال محکومیت اروپا با شرایط مزبوره
 ممکن و برای دولت ما وظیفه واجب است

• • •

ای بزرگان و پیشوایان و رؤسای ایران ! اینک

ه اتفاق و یکجبهتی با خود باید زنان شاهزادگان
 روس را از میان زنان خاندان پادشاهی آلمان انتخاب نمود
 هفتم - چون دولت انگلیس در امور بحری
 بیشتر از سایر دول محتاج بر امنه ما است و ترقی
 اصول بحری ما هم در سایه آن بعمل خواهد آمد
 لهذا اتفاق و اتحاد دولت انگلیس را به دیگران
 ترجیح داد. هفتم و ذغال و سایر محصولات زیاد
 را که در روسیه بعمل می آید با ایره های انگلیس
 مبادله کرده و برای آموزاندن بحار و عمده کشتیهای
 خود امور تجارت و کشتی رانی را باید میان بحار
 و عمده هر دو دولت یک دوستی و رابطه محبت
 فراهم آورد.

هشتم - از سواحل بحر بالتیک بطرف شمال و
 از ساحل دریای سیاه نیز بطرف جنوب بدون
 درنگ پیش باید رفت

نهم - تا میتوان باید بطرف اسلامبول و اطرف
 هندوستان نزدیک شد و آنها را ضبط و تسخیر نمود
 چه هر کس در آنجاها تخت نشین و تاجدار گردد
 در حقیقت سلطان سلاطین عالم خواهد بود. بدین
 ملاحظه باید گامی با حکومت عثمانی و گام با حکومت
 ایران در جنگ و دشمنی کردن کوتاهی نکرد و
 در سواحل دریای سیاه دارالصناعه ها و کارخانه های
 کشتی سازی درست کرده و برای رسیدن به آرزو
 های درونی و حقیقی که کم همه دریای سیاه و دریای
 بالتیک را ضبط کرد و هر چه زودتر اضراض حکومت
 ایران را فراهم و خلیج فارس را بدست تصرف
 باید آورد و بعد تجارت قدیم شرق را بابریه الشام
 بحال خود گذاشت و بطرف هندوستان که محزن
 جهان است پیش باید رفت و همیشه بدانجا رسیده
 شد دیگر به ایره های انگلیس احتیاج نخواهد ماند
 دهم - به اتفاق و اتحاد با دولت اطریش کوشیده
 و در ظاهر خیالات و تصورات او را که بر ضد
 دولت آلمان دارد تصدیق و خرمگیری نمود و از
 طرف دیگر مخفیانه رک حسد و انتقام پرستهای
 آلمان را بر ضد اطریش حرکت باید آورد و هر دو
 را بر ضد یکدیگر برانگیخت که هر یک خود را
 محتاج به استمداد از روسیه به بیند و برای دست
 درازی و استیلای همه آنجاها پیش از وقت باید
 در مملکت آلمان یکنوع حایه بکار برد

یازدهم - باید دولت اطریش را ماورایده و
 گولزد که پیروان کردن عثمانی از خاک اروپا برای
 او نیز سود بزرگی دارد آنوقت بدستگیری او
 اسلامبول را فتح و بعد از طرف دیگر دولت
 اطریش را با جنگ یکی از دولتهای قدیم اروپا
 سرگرم باید نمود و یا اینهاکه موفقا و برای باز

مذکر این وصیتنامه که تقریباً صد و نود سال پیش
کرده شده و اساس بلیتک روس مبنی بر آن است
برای شما يك مثال روشن از نیات روس مرض
کریم دیگر برای اثبات این مدعا شامدی بالا تر
لغزین نمیتوان آورد!

اگر حال بریستان و خراب ایران را با حال
لهستان مقایسه بکنیم باید از شرمندگی و بی شرفی غصه
حرک بشویم زیرا همان حرکات را که برای محو کردن
لهستان بموجب این وصیتنامه بجا آورده و رشته
حیات قومیت او را بریدند در وطن ما هم میخواهند
بجا بیاورند و میخواهند بهمان قرار وطن ما را محو
و دولت ما را منقرض سازند این همه نفاق و عداوت
که مابین افراد مخصوص درمیان وکلا و وزرای
مملکت موجود میباشد همه از تاثیر دسائیس روس
است و چون ما ایرانیان حتی بزرگان و دانایان و
سیاسیون ما نیز ازین کارها و فکرها فرسخها
دور و بی خبریم این است که بی بدین نکته ها نمیبریم
و ده سر انگشت روسان باز بجه شده ایم و حتی
تحریر آنها به جنبش می آیم و کمر بر قتل یکدیگر
می بندیم و زمان را از دست میدهم و بدست خود
زهر انقراض را می نوشیم!

بسیاری از مردمان توانگر و بی ناموس و شرف
را با حیا و بول دادن بطرف خود جلب می کنند
و حایت شده خود می نامند و با وسیله های گونا
گون که عقل ما در آن حیران است در روی
وکلائی ملی راه نفوذ پیدا می کنند و کسانی را که
طرندار و بلکه ریزه خوار دست پرورده روس
و فروشنده وطن است بر سر کار می آوراند و
کسانی را که طرفدار روس نیستند با هزاران
فته و حیا از میان بر میدارند و یا رسوا می کنند
بسالدهای خود که بدون هیچ حق داخل ایران
کرده اند به هرگونه تجاوز کردن و وحشت بخرج
دادن اجازه می دهند و هر روز برای گذاشتن
سالدها در ایران و بر حق قلمدادن اقامت آنها
بدست خود هزاران بهانه ایجاد می نمایند، و محض
برای بستن دهان انگلیس که رقیب پر زور است
به تقسیم جغرافیای ایران . . . مابین خود قرار
می دهند و بدیهی است که اگر سایر همسایگان و
دول نیز مانع بشوند آنها را هم راضی خواهند کرد
این است همه کارهایی که در لهستان بموجب سند
چهارم این وصیتنامه بعمل آوردند و امروز هم در
وطن ما می آورند، و بدیهی است بدترین آنها انداختن
فغان مابین رؤسا و وکلای ملت است هر کس بحال
دلسوز وطن ما ایران آگاهی می یابد خون میگریزد
زیرا می بینند که ما ایرانیان هر روز هزاران نشان

و علامت استیلا و انقراض مجسم خود می بینیم و با
سر از باین غنلت بر می داریم و دفع این بلای وطن
سوز ایران خراب کن را وظیفه خود نمی شماریم،
ادعای مسلمان می کنیم و بدست خود تیشه بروسان
میدهم که بنای مقدس اسلام را خراب سازند،
خود را یادگار کبابیان و فرزند شامشهان جهان
می خوانیم و خود را دست بسته روس تسلیم می کنیم
و خاک پاک وطن خود ایران را با پایال سالدهای
روس می سازیم، تا درین حالتیم حق ادعای شرف
و مردمی نداریم و تنگ ایران و مسلمان هستیم.

اگر انقراض ایران را نمیخواهیم و اگر بی تنگی
و بی شرفی را قبول نداریم باید بکوشیم جاهها فدا
کنیم قرابها بدهیم، خاک پاک وطن را با خونهای
آتشین خود رنگین کرده و انکد کوب دشمنان
نسازیم، صدمه رسانیدن دشمنان دین را به بنسای
اسلام شایسته غیرت اسلامی خود نه بینیم، تا زنده
ایم وطن را از دست ندهیم و خود را سزاوار تقرب
و لعنت آیندگان نسازیم و یقین بدانیم که اگر بکوشیم
و جافشای و فدا کاری بخرج بدهیم بطلبه و ظفر
فائل خواهیم شد چه در مدافعه دین مقدس اسلام
قدسیت و روحانیت اسلام همراه همراه و مددکار ما
خواهد بود

زیرا می بینیم که از احکام این وصیتنامه بطرکیر
تنها تقسیم لهستان و تسخیر ترکستان بوجود آمد و
سایر مقاصد روس همه در درجه خواب و خیال
ماند چرا بجهت آنکه تنها ملت لهستان و ترکستان
دور بینی و غایت اندیشی نکرده در غفلت ماندند
دست از نفاق برداشتنند و بچاره جوئیهای قطعی
نپرداختند، اما دولت روس نه سوخت را توانست
ضبط نماید نه دولت آلمان را مغلوب خود کرد و
نه اسلابول را فتح توانست نماید و نه راهی
به هندوستان یافت و نه اطریش و فرانسه را مغلوب
کرده سلطنت اروپا را بدست آورد، چرا؟ زیرا
این ملت های زنده پیش از وقت از خواب غنلت
برخاسته در پیش این نیات چاره جوئی کردند،
خونها ریختند کروزها صرف راه وطن کردند
میلیونها نفوس خود را فدا ساختند لوازم مدافعه را
آمده کردند و به کسب مدنیت و ترقیات جدید
کوشیدند تا وطن و قومیت خود را توانستند نگاه
دارند.

پس وظیفه ما ایرانیان هم که امروز وطن و
ملیت و دین و مذهبمان از دست میرود این است
که بی جستجوی چاره برویم بدانیم که چگونه باید
بیضه اسلام را نگاهداری و استقلال وطن خود
ایران را محافظه کرد، انک ما ه . . .

راه نشان می‌دهیم

چاره ایرانیان

اول - تحریم امتعه روس ، درین کار وظیفه بزرگ بر عهده هدایت و اجتهاد حجج اسلام و مجتهدین عظام است ، امروز که همه ملت ایران تابع اوامر و احکام صادره ایشان میباشد و بیک اشاره ایشان آماده هرگونه فداکاری جانی و مالی هستند و اطاعت اوامر آن آیات الله را فرض میدانند اگر آن ذوات مقدسه امر به حرمت استعمال امتعه روس بفرماید بدیهی است که همه ایرانیان اقیانوس آن اوامر را عمده و خرید و فروش امتعه روس را حرام خوانند دست و ازین رو بر دولت روس خسارت بزرگ وارد آمده مجبور بقبول مطالب ایران و بیرون کردن سالدانهای خود خواهد گشت -

امروز تلگرافات خبر میدهد که در بعض نقاط ایران تحریم استعمال قند روس اعلان شده و دولت روس ازین معامله بسیار مضطرب و اندیشناک است این خبر امید بسیار بزرگی در دل وطنخواهان توایند میدهد ، ولی باید دانست که حرمت امتعه روس آنوقت اهمیت پیدا کرده و تاثیر می‌بخشد که استثناء نداشته و موقتی بوده باشد یعنی منحصر بقند روس و در یکسو جا نبوده باشد بلکه برای هرگونه امتعه روس و در تمام شهرها اعلان بشود و ارباب حراید توسط روزنامه‌ها و انجمنهای علمی در ضمن نطقها و کفراسها و وطنخواهان حقیقی در صحبت و مجالس امالی را از فواید تحریم آگاهی داده و تمام ملت اسلاط نموده مردم را به پیروی این ملت مقدسه و پایداری در آن دعوت و تشویق باید بکنند و کسانی را که برخلاف آعرار رفتار کرد از شرف قومیت و انسانیت محروم باید دانست

چون این مسئله تحریم مخصوص ملت است هیچوقت با قواعد حقوق بین الملل منافات ندارد و هیچ دواتی حق اعتراض نخواهد داشت زیرا تجارت آزاد است و هیچ دولت بگرفتن امتعه خود دولت دیگر را اجبار نمیتواند بکند حتی یک دولت نیز تبعه خود را مجبور به استعمال امتعه دولت دیگر نمیتواند بسازد - اگر حجج اسلام در اصدار حکم قطعی و تجار وطن پرور حیت سرت و افراد عبور وطن پرست در پیروی آن حکم اظهار عبرت اسلاطی و وضعی نموده و پایداری بکنند یقین است که در اندک زمان تاثیر بزرگ در حرکات روس خواهد کرد - روزنامه نگاران و ناطقان و وطن پروران محمنا راست که با بیانات و تلقینات و تشریفات

و نطقها افراد ملت را بر منافع این تحریم آگاه کرده تشویق به اجرای آن میکنند همه ایالات تلگراف بکنند و بحرفهای آتشین رگ غیرت مردم را بحرکت آورده بیهانند که هر کس امتعه روس را استعمال بکند و با تبعه روس داد و ستد نماید خاین وطن و دشمن دین و اسلام است و از شرف ملت و ایرانیت محروم است - بگوش همه برسانند که حفظ اسلام و بنای استقلال ایران موقوف بحرام دانستن و بکار نبردن امتعه روس و پایداری کردن آن است -

دویم - استقراض داخلی - امروز که مجلس مقدس ملی استقراض داخلی را تصدیق فرموده و پایه آرا بر اساس صحیح گذاشت دیگر برای افراد ملت و توانگران و ارباب حیت مهانه نمایند و میدان فراخ غیرت مائی برای هر یک از افراد ملت آماده است ! بشرفقت این استقراض و بهره وری از آن بدو شرط محکم است ، یکی جلب اعتماد و امنیت ملت و تعینش و مراقبه کار از نزدیک و آوردن یک منتش اورویانی برای ترتیب کار بطرزیکه همه مردم ما کمال اطمینان بتوانند آنچه دارند بدهند ، دویم به صرف کردن آن پول به احتیاجات فوری و اهم که اهم جز تشکیل و ترتیب اردوی منظم چیز دیگر نیست - ای ایرانیان عبور وطن پرور امروز آخرین چاره شما برای حفظ استقلال وطن معاوت و یاری کردن بوطن است - اگر وطن تان از دست برود آنوقت کوشش و دست و پا زدن تان بکار نخواهد آمد ، آنوقت اگر همه هستی تان را فدا سازید باز تاثیری نخواهد داشت آنوقت نخواهی توانست بگوئی که من برای وطن جان و مال خود را فدا میکنم ، زیرا خواهند گفت که تو دیگر وطن نداری ! تو دیگر ایرانی نیستی و کشوری بنام ایران در روی زمین پیدا نیست !

ای ایرانیان خارجه اگر وطن تان ایران دست بیگانگان و دشمنان دین بینند دیگر نخواهید توانست گفتی که من ایرانی هستم من تبعه دولت علیه ایرانم اگر قصد زیارت و مان خود بکنی از سرحد نخواهند گذاشت و خواهند گفت که ایران وطن تو نیست و توحق دخول بدان کشور نداری ! ای خواهندگان استقلال ایران ، وای آرزو کشان دیدار وطن بقای اسلام و ایران بسته فداکاری شماها است ، امروز که فرصتی در دست دارید با جان و مال بکوشید و بدولت و ملت قرض بدهید تا دین اسلام محو نگردد و وطن تان ایران از دست نرود و برادران و خواهران تان اسیر دشمنان نگردند ..

سم - تشریفات و جروباغاند - مدغمه است که